

نیایش و عشق

Prayers of Love

نویسندگان: بابک یوسف عصر و غلامرضا محبی

Authors: Babak Yousefaser & Gholam Reza Mohebi

مترجم: امیر علی سیاسی

Translator: Amir Ali Siassi

نیایش عاشق به معشوق

Prayers of Lover to Beloved

نویسنده: بابک یوسف عصر

Author: Babak Yousefasser

مترجم: امیر علی سیاسی

Translator: Amir Ali Siassi

عاشق

به همه چیز و همه کس عشق بپورز، که راه درست عارفان این است، ساختار انسان از انرژی است، افکار و احساسات انرژی هستند که به کائنات می فرستی و کائنات آنها را برآورده می کند، عشق به خدا و همه چیز و همه کس، مسیر زندگی ات را تغییر می دهد، در پذیرش باش و در لحظه حال زندگی کن، همه افکار و احساسات را بنویس، سپس آنها را پاره کن و دور پریش تا ذهنت خالی شود و تصمیم درست بگیری، در قرآن آمده است که خداوند همواره می گوید ما و نمی گوید من، مجموعه کائنات و هستی تحت تاثیر یک نیروی مرکزی خداوند است، هر چیزی نمادی از وجود خداوند یکتا و بی همتاست.

Love

Love everybody and everything for it is the righteous path of mystics. Humans are made of energy, our thoughts and feelings are energy that we send out to the Universe and it responds accordingly, Love of God of every being and thing changes the direction of our life, be accepting and live in the moment, write your thoughts and feelings then rip up that paper to empty your mind allowing better decision making. In the Koran it was written that God always says us and not me, the entire Universe is guided by a central divine energy, for all things are a manifestation of our Beloved Lord.

جاری بودن

در مسیری طولانی، همچون رودخانه ای جاری بودم، همچنان با تکاپو و تکان های مکرر، هر چه با سنگ های سرسخت برخورد می کردم، به نرمی از آنها عبور می کردم و آنها را می تراشیدم، مشکلات مسیر مرا قدرتمند می ساخت، در آرزوی رسیدن به دریای بیکران هستی بودم، همچنان جاری و زلال ، نغمه های پرندگان مرا مسرور می ساخت و من همچنان از مسیر لذت می بُردم، درختان از عشق من سیراب می شدند، گویی از من سپاسگزار بودند، به خاطر عشقی که از من به آنها ساطع می شد، گلهای وحشی خنده شان تا اوج آسمانها می رفت و سبزه زار سرسبز با رنگ سبزش آرامش خاصی در من ایجاد می کرد.

In the Flow

On the long road, I was flowing like a river, constantly vibrating and pulsating, as I came across rocks I'd softly pass them up while finding my own way in the Sea of humanity and co-creating my fate by being an active, contributing member of society. The bird's songs filled my days with joy and the trees would feed off my love giving me more air to breathe, the wildflowers laughter would reach the firmament as the green pastures gave me a sublime tranquility.

قدرت خداوند

ستاره در آسمان می درخشید و قدرت خداوند را شکر می کرد، خورشید گرم و نورانی بود و خوش رنگ، در چمن زار سرسبز قدم می زد و گلها زیبایشان را به رخ می کشیدند، صدای پرندگان گوشم را نوازش می کردو ابرها به خاطر قدرت خدا گریه می کردند، شهابی از آسمان فرود آمد و با خود پیام می آورد که از کدامین دنیا آمده است، فرشتگان نگهبان تو را به آغوش می کشیدند و تو در آرامش کامل در مرکز قلبت بودی ، قلب جایگاه خداوند است و با یاد خدا دلها آرام می گیرد، سؤال می کردم خدا کجاست؟ و خداوند پاسخ می داد من همواره با تو هستم، خداوند از رگ گردن به ما نزدیکتر است، از یک تونل نورانی سفر کردم ، عاقبت به نور رسیدم و این پایان زندگی ام نبود، بلکه یک زندگی جدید را تجربه می کردم، فرشتگان تسبیح گویان انسان را سجده می کردندو خداوند نیروی دیگری به من بخشید، هر لحظه ام سرشار از حس شکرگزاری از خداوند بودم، با هر دم انرژی مثبت وارد جسم و روحم می شد و با هر بازدم استرس ها خارج می شدند، حس وحدت در روح و جانم رخنه کرده بود و در سرور الهی غرق شده بودم، رودخانه ها جاری و روان بودند و دریا با هر موجش خدا را سپاس می گفت، خداوند می فرمود تمام مشکلات را به من بده و از من عشق الهی را به ارمغان ببر، خداوند به من لبخند می زد.

The Power of God

The shining stars in the sky praised the Most High, the radiant Sun, while I walked on the green field as the flowers showed off their vibrant fragrance, the chirping birds massaged my ears and the clouds were weeping due to God's power. Night skies asking from what world have you come, your guardian angels embraced you giving you inner and outer peace, the soul's seat is where God resides as we remember our Lord we become more peaceful. I asked Where is God? God said I'm always with you being even closer than the jugular vein. I traversed a tunnel full of light finally becoming the light itself, yet this wasn't the end of life but just me experiencing a new life. My every moment was filled with giving thanks to our Creator. Every inhale filled my being with positive energy and every exhale emptied me of stress. The sense of Unity uplifted my soul in ecstatic rapture, while rivers flowed the sea was praising God with each wave. God assured me he would take my pain away and improve the quality of our nights and days.

یاری خدا

در صحرای بی انتها قدم می زدم، ماسه های صحرا کف پاهایم را ماساژ می داد و آفتاب سوزان می تابید، ناگهان ندایی آمد و گفتم من اینجا هستم و بارهای تو را به دوش می کشم (خداوند)، از اینکه خداوند رحمت و بخشندگی خود را بر من ارزانی می داشت، قلبم سرشار از عشق می شد، خورشید مسیر و راه درست را به من نشان می داد و هر لحظه به لحظه قلبم وسعت بیشتری پیدا می کرد و رحمت خداوند را دریافت می کردم، به جنگلی رسیدم، آنجا حیوانات وحشی زندگی می کردند ولی هیچ کدامشان به من آسیب نرساندند، چون می گویند: «با خدا باش و پادشاهی کن، بی خدا باش و هر چه خواهی کن» یا «الا بذكر الله تطمئن القلوب» یعنی با یاد خدا دلها آرام می گیرد، از جنگل گذشتم و همچنان به مسیر خود ادامه دادم، همه کارها و مشکلات با توکل به خدا و تلاش خودت انجام می گیرند و حل می شوند، باید صبور باشی یا به قول این ضرب المثل: «گر صبر کنی ز غوره حلوا سازی»، همه علت ها و معلولها از جانب خداوند است، سختی مسیر از من فرد قوی تری می ساخت و از نظمی که در طبیعت بود، نشانه هایی از وجود خداوند را برایم تداعی می کرد و یک یک آنها را تجربه می کردم، اگر این تجارب نبود، انسان پیشرفت نمی کرد، ما باید در پذیرش با هر اتفاقی و هر چیزی و هر کسی باشیم، همانگونه که هست، در زمان حال زندگی کنیم و از زندگی کردن در زمان حال لذت ببریم چون ذهن مانع از این می شود که در زمان حال زندگی کنیم و برای اینکه خاصیت ذهن این است که ما را به گذشته و آینده می برد و ایجاد درد و رنج می کند، مسیر را ادامه دادم و به دریا رسیدم، با پاهای برهنه وارد دریا شدم و وسعت دریا با عشقش آرامش خاصی به من می داد، آسمان بالای سرم آبی خالص با تکه ابرهای سپید بود و ذهنم خالی بود، شاهد دیدن خود بودم و از اتصال روحم با خداوند، تمام اعضای بدنم سرشار از نشاط و شادی می شد، با مراقبه آگاه بودن از دم و بازدم و انجام کارهای نیک و خدمت به مردم و یا به قول زرتشت: «افکار نیک، گفتار نیک و کردار نیک» ما میتوانیم در ایجاد صلح و آرامش و عشق در تمام دنیا سهیم شویم زیرا هر فکر و گفتار و عملی ارتعاشاتی دارد که به کائنات ساطع می شود و بازتاب آن به خود ما بر می گردد، شاد باشید و بخندید و آواز بخوانید و برقصید برای اینکه اینها همه انرژی مثبت به کائنات می فرستد و طبق قانون کارما یا عمل و عکس العمل آنها زندگی آینده ما را رقم می زند، وقتی در زمان حال زندگی کنید، کارمای شما به نرمی پاک می شود ولی وقتی در گذشته و آینده باشید، فقط نیروی شما را تضعیف می کند.

God's Assistance

I was walking on the endless desert, its warm sand massaged my feet as the sun was blazing, suddenly I got an epiphany telling me I've always embraced you here (God). From knowing God's merciful compassion my heart overflowed in love as the Sun guided me every moment along the righteous path to receive more light. When I reached the jungle where dangerous wild animals lived yet none of them caused me any harm reminding me: "With God all things are possible, without God nothing is possible." Or "With God our hearts are at peace". I continued on my journey faithfully trusting with patience all my problems had solutions. All causes and effects are of God, the difficulties of my trip made me a stronger person more experienced and initiated to receive direction from Natural Law & Order. Without which I don't think it would be possible for us to consciously evolve. We have to be completely accepting of everything as it is to live more fully in the moment to receive the blessings and gifts of the present for our mind dwells either in the past or future causing us pain and suffering. I continued onward until I reached the sea, took a dip inside and came out with serendipity of a thoughtless mind looking up at the cloudless blue sky, I witnessed my connection to my Creator on a greater scale being aware of the Mirror Verse. I felt the joy that comes with clearing my negative karma by becoming one with my dharma. Fully understanding the relevance of Prophet Zoroaster, who summed up all religions: "Good thoughts, Good words, Good actions".

شب یلدا

طولانی ترین شب سال فرا می رسد و پرندگان آواز سر می دهند، تن غریبان درختان در زیبایی شب یلدا می درخشید و فرشتگان برای برآورده کردن آرزوی انسانها به زمین نزل می کردند، یاقوت‌های قرمز آنار، طعم شیرین زندگی را به ما نشان می داد و درخششی در قلبم آغاز شد، حافظ اسرار خود را بازگو می کرد و سرنوشت انسانها در این شب رقم می خورد، چه زیباست جمع شدن خانواده ها و دوستان در کنار هم و با کلمات شیرین از یکدیگر استقبال کردن، این شب زیبا را به همگی دوستان تبریک می گویم.

Yalda's Night

The longest night of the year has come and the birds sing their song, the naked trees shine at this time and the angels come down to Earth to answer our prayers, ruby red pomegranate grants us the sweet flavor of life and my heart is aglow, Hafez reveals his secret as is the fate of this night, how lovely it is for families and friends to be together showing support giving compliments increasing each other's confidence helping us to achieve more accomplishments.

خیر مقدم

خوش آمدی ای جان جانان	قلبم را کردی سرشار از شادی پنهان
بمان همیشه و همواره در کنار ما	تا ببریم منفعت از وجودتان
قدم تو همچون پا بر روی ستارگان	پُر از سرور کرد روح و جانمان
الهی که همیشه خوش قدم باشی	تا بیاوری شادی برای همگان
نگاه اول تو مرا خیره کرد	ماند اثرش در دل و روح و جانمان
بیا همیشه همگام با ما باش	که غیر تو نیست یار همچنان
آخر قصه همواره زیبا بود	روح پرواز می کرد با دل و جان

Welcome

Your welcome O soul of souls
You've hidden my heart in joy
Always remain by our sides
So that we can become allies
Your strides are as wide as the stars and stripes
It has filled all of our spirits far and wide
God willing you always be so auspicious
To be able to bring joy to others
Your first glance made staring my expression
Its effect left a lasting impression
Come and always accompany us
For other than you there is no other
The end of the story is also sweet
My soul rose to a peace so deep

بودن

وز نبودنت غمگین و پُر دردم	از بودنت خوشحال و خرسندم
نبودنت می چکاند ز گونه اشکهایم	بودنت تغییر می دهد دنیایم
تا نشوم ز غصّه در جفا و در بندم	با دل رنجیده چه باید کنم
چون خدا در این ره می نماید آزادم	کنون باید دلی را به دست آورم
در لحظه حال باید زندگی می کردم	رها ز گذشته و آینده ام
به کدام درخت افسار اسبم را ببندم	هر آنچه بود هیچ بود و بودم
چرا که باید من به او توکل می کردم	بودن ذره ای بود از خداوندم

Being

**Of your presence I'm happy and satisfied
In your absence I'm sad and distressed
Your presence changes my world
Your absence makes me cold
What to do with an aching heart
That longs for its sweetheart
Now I have to improve my relationships
Both the source of bondage and freedom
I'm free from my past and future
This moment is to be lived for sure
Our being was always with God
For all we need is to trust in God**

خویشتن خویش

از گذشته تا حال در پی شناخت خویشتن بودم
ماه و ستاره و آسمان و زمین من بودم
خدایا مرا از علم خود آگاه کن
نگاهی بر این بنده حقیرت گاه و بیگاه کن
علم و خرد الهی از آن نیک مردان است
تا که تو خودشناسی نکنی علم در آن پنهان است
خویش را بشناس و خدا را شناس به آسانی تا که بفهمی که تو نه اینی و نه آنی
فرو رو در خویشتن و به خدا پی بر
که جز خوبی تو نماند هیچ اثر
بگرد دور خویش و خدا را نظاره کن
از اعمال نیکت برای بدی ها چاره کن
چون خدا را بینی و دیگر همه هیچ
تو به رستگاری رسی و دیگر هیچ
قلبت را بگشا و با چشم دل خدا را بنگر
تا شود خدا برای تو یک سرور
نامهای خداوند را تو همواره تکرار کن
در خوبی خویش تو کشف اسرار کن
از دغل بازی و دروغ و ریا تو دست بردار
تا شوی در جامعه تو یک سردار
علم آموز و ستایش خدا را تو همواره انجام ده
تا شوی معدن سنگ طلا و کرشمه
عاشق خویش باش و عاشقی کن
تو از سر نیاز با خدا یگه تازی کن

Soul of Soul

**From the past til now I longed to know myself
Knowing Sun, Moon and Stars are of myself
O Lord initiate me with your science
Help your faithful feel your presence
God's science and wisdom is for the righteous
If you don't know yourself seek guidance
Know yourself to know your Creator
Show you know to manifest our Maker
Revolve around yourself enter the center of self
Resolve issues by identifying with your Higher Self
Since you see the essence reflected in everything
Witnessing your Divine presence is liberating
Open your mind by seeing with your inner eye
For the Divine to guide you to the light of lights
Always repeat the many names of God
By being good we find the secret of Love
Stop all lying, cheating and deceiving
And become an authority in society
Foremost you must love yourself
To ever be able to love anyone else**

لحظة حال

لحظة حال اجتناب ناپذیر است
هر که در آن نباشد به غم و محنت ناگزیر است

لحظة حال را شاهد باش و دریاب
جاری و روان باش مثل آب

در لحظة حال تو خدا را بینی
از تمام خوشی ها تو آن را برمی گزینی

نیروی حال قدرتی فوق العاده دارد
کس که از این نیرو بهره برد روحی صادقانه دارد

در لحظة حال بودن شیرین است
دلم همواره خوش و رنگین است

در زمان دگر فکر در گذشته و آینده سیر کند
هر چه نیرو و توان است از تو برگردد

بودن در زمان حال بسی ارزشمند است
بودن در آن همانند یک خردمند است

گذشته و آینده را رها کن
از حصارهای زندگی تو پروا کن

گذشته جز غم و غصه چیزی برایت ندارد
آینده چون حسرت بر دل ثانیه ها را شمارد

در لحظة حال تو تمرکز کن
قلب خود را در جانت مرکز کن

لحظة حال نتیجه اش سلامتی است
ظراوت و شادابی و خرسندی است

تا توانی در لحظة حال زندگی کن
تو زندگی ات را سرشار از شادی کن

The Present Moment

The present moment is inevitable

Those not in the moment are in denial

Accept the present by actively participating

Like water be in motion without resisting

In the present we receive the gift of love

In the moment exists the presence of God

Moments exist with thoughts of future or past

Taking away our attention and ability to act

So, seize the day and feel more awake

Know you'll see more light on the way

بیداری

بیدار شو قبل از آنکه عُمرَت به سر آید
بیداری تولد یک زندگی دوباره است
بیدار شو و مردم اطرافت را بیدار کن
مردمان زیادی در این دنیا در خوابند
بیداری ذهن و قلب تو را یکی کند
بیداری تو را از رویا جدا می سازد
بیداری شاه کلید موفقیت های تو است
گر خواب باشی کلید منزلت نیز نمی شود درست
هوشیار باش به لحظه لحظه زندگی
بیداری یک نوع گسستن از ذهنت است
بیدار که شوی بینی که تمام دنیا در درون تو است
خواب که باشی ذهنت درگیر هوسهای تو است
در لحظه حال است که بیداری رخ می دهد
گر که خواب باشی ذهنت تو را به دنیا سوق می دهد
آرام باش و در سکوت و بیداری
تا تو دست یابی به رحمت عالی

Wakefulness

**Awaken before your life comes to an end
Actively contribute to the society you live in
While living consciously is like a rebirth
Unconscious minds live in dream world
Be alert and awaken other souls
We all have to accept our roles
Everybody dies but not everybody lives
For that false world has nothing to give
Become conscious of life's moments
For consciousness is life's real secret
Being aware is mind without thoughts
There our hearts overflow with love
The awakened see the world within them
Consciously living in the present moment
Be calm, collected and get connected
To our Lord's abundant blessings**

شادی

تا توانی شاد باش و شاد کن دیگران را

تا که از شادیِ تو عشق و صلح بیاید به این دنیا

شاد بودن در زندگی یک هنر است

شاد بودن در زندگی تکرار کن

شادی تو از خنده پیدا است

در خنده و شادی تو درنگ مکن

ارتعاشاتی که شادی دارد

شادی و سرورَت همچو خداوند باشد

شاد کردن دل دیگران یک هنر است

شاد زیستن را باید بلد باشی

اعماق وجود تو سرشار از شادی است

گر وصل شوی به سرورِ مطلق

عیب دیگران را تو عیب مشمار

خود به خود ساطع می شود از تو شادی زجانب حق

شاد باش و شادی را بنیانگذار

Happiness

**Be as happy as you can be
By making others happy
Changing the way you look at things
The things you see will be changing
Part of life's art is being happy
Making others happy is a journey
From being to becoming
That which we are wanting
Invite your inner child to the party
From being free feel more happy
Laughter is a sign of being happy
The more love drunk the more merry
The more each one of us is smiling
The more God's Love will be shining
For delight and joy are Divine
Put your selfish ego aside
Free yourself of false pride
Let go and enjoy life's ride
In time the fine life you'll find
Within a right mind feeling so alive**

مهربانی

روحَت چه خوش برمی گزیند
عشق و صفا همچو باران بهاران است
دل خویش را از غُصّه خالی کن
جای شما یاران در دلم خالی است
روح و جانَت را نرم و خالص کُند
کسی که مهر نوزد بی خرد باشد
زندگی می کنم من هر لحظه را در حال
زودتر از مُردن خود تو بمیر
عشق و دوستی را طلب زیاران کن
تا تو به سر منزل مقصود رسی
تا که مهر او نباشد بنده در بند است
تا که رسد خیر برای تو از هر جنبه

مِهْرَت چه خوش بر دل نشیند
مهر و وفا از خُلق یاران است
تا می توانی مهربانی کن
خدا جز کرم و عشق و محبّت نیست
بنگر که مهربانی چه معجزه ای کُند
مهر باید از جانب خرد باشد
شدم از عشق تو سرشار و مالمال
مهربانی می کند تو را شجاع و دلیر
جان خود را فدای یاران کن
مهربان باش و خردمند و قوی
مهر واقعی از جانب خداوند است
خوب باش و طلب خیر کن برای همه

Kindness

**Very welcome is your affection
Very well is your Soul's selection
Love and loyalty are intimate traits
Both being shared between mates
It is nice to be important, alright
But it's more important to be nice
God is love beyond our beliefs
Freeing all our hearts of grief
Witness the miracle of kindness
Polishing, purifying our spirits
Our kindness comes from wisdom
Without kindness there's no wisdom
From your love I'm overflowing
Now I'm living in the moment
Kindness makes us courageous
As it helps us to become selfless
See there is strength in numbers
The team is more than its members
So be good, by wishing everyone well
Your needs will be taken care of, as well**

طلب خیر

تا توانی برای همه طلب خیر کن
از عمق قلبت طلب خیر کن
خداوند خیر و برکت و فراوانی است
خیر و نیکی تو را می برَد والا
یگانه منبع خیر و برکت تویی
چقدر زیبا نظم در جهان هستی است
قلب تو نرم شود با طلب خیر کردن
تا که خیر کنی جواب آن را سریع بینی
همچو آب جاری روان شو برای همه
چون که راکد بمانی بگنند روح و جسمت برای همه
یاریم کن ای خداوند بی همتا
دعا کن که افراد خیر بمانند در این جهان
به تو امید دارم ای خداوند بزرگ و بی همتا
خود را جدا از بیگانه و غیر کن
روح و جانت را دور از شرّ و غیر کن
جای تو همیشه در قلب من خالی است
تو باش با عهد خویش با خدا پابرجا
به دور از هرگونه رُعب و وحشت تویی
ز زیبایی تو ترانه و مستی است
روح و جانت را لبریز از خدا کردن
کار خدا خیر است در مسائل دینی
ای که سر و جان و دل شود برای تو فدا
تا کنند جهان را آباد و خوش و خندان
نکن امید را نا امید زیهر من و ما

Wishing Well

**As much as possible wish everyone well
And you will feel at home everywhere
God is the Greatest Orderly Direction
Or unconditional loving consciousness
Our goodness assisting our evolution
The Divine covenant is for ascension
You are the source of all blessings
Being far from all fear and worries
Focus on how orderly the world is
For your soul to be singing its song
You'll feel more peace being in love
By filling your presence with God
Your good deeds will be rewarded
Between creeds read the Lord's words
Become like flowing water for others
Through activity we purify as lovers
O Lord please enlighten our road
O Lord please lighten our load
Help your disciples brighten the world
Our hope and faith is in the Divine Lord**

مادر زمین

مادر زمین عشقِ خالص است
از همه قید و شرط ها رها و بارز است
زمین و طبیعت را تمیز نگه داریم
تا که از نیروی آن بهره برداریم
انسانی که به طبیعت لطمه می زند
آگاهی اش پایین است و صدمه می زند
زمین مانند مادر تمام موجودات است
هر موجودی در آن رها و آزاد است
عاشقِ زمین باش که عشقِ زمین
تو را همواره می رساند به بهترین
عشقِ مادرِ زمینی تو ناقص است و کامل نیست
جای عشقِ مادرِ زمین در دلت خالی است
زمین از پاک بودن تو نیرو می گیرد
گرکه ناپاک باشی هر موجودی می میرد
زمین انعکاس رفتارهای ما را به ما برمی گرداند
گر که خوش رفتار باشی به تو سود می رساند
زمین را با گرمای تَنَّت تو در آغوش گیر
عاشقانه از آغوش مادر زمین تو شو سیر
عشق به زمین بخشی از عشق به خدا باشد
این عشق از والاها و بالاهای باشد
با زمین و موجوداتش تو عشق بازی کن
از خشم و نفرت و دورویی تو دوری کن
همچو آبِ زلال زمین را سیراب کن
بر درختانش تو تکیه زن و خود را پیدا کن

Mother Land

**The mother land is pure love
Being apparently unconditional
By keeping our natural land clean
We will receive more vital energy
Pyromaniacs, polluters or litterbugs
Are really unconscious and illiterate
For nature is our true motherland
Nurturing and sustaining all man
So, for our home have reverence
Upon which our survival's dependent
Nature is a reflection of our behavior
By treating it well we become favored
Loving nature's creatures of our Creator
Through that love we gain greater features**

رستگاری

تا بدست آوریم برکت و صفا	پی در پی دویدیم در این دنیا
روح ما جاویدان بود و نامیرا	غافل از اینکه از ازل تا ابد
گم نکن ره صراط مستقیم را	ای انسان تو همانی که می اندیشی
تا توانی توکل کن به خدا	خدا همه جا بوده و هست
مبادا تو کنی اشتباه و خطا	مسیر راه سالک سخت است و پرخطر
تا بررسی به دریای بیکران و بی همتا	مثل ماهی نرم باش و انعطاف پذیر

Salvation

**In this world we continually strive
Not just to survive but to thrive
Yet from Genesis to Eternity
Our Soul's are in Eternity
We choose our frame of mind
Don't lose your straight path in life
Omnipresent is the Divine
So, trust your Life's Guide
The seeker's journey is difficult
Don't mistake; forgive others faults
Practice patience become more flexible
Increase your capacity live your full potential**

اسرار

سِرِّ وجود هستی را فقط خدا می داند
اسرار مرگ ناگفتنی است
اسراری که موجود در لوح محفوظ است
اسرار را که آگاه شدی نباید افشا کرد
یگانه سِرِّ هستی تویی
رازداری برای خودت بهتر بُود
روزگاری را که می گذرانیم همش اسرار است
یک انسان آگاه و دانا همواره بیدار است
با دانستن اسرار تو پادشاهی کن
یک جمله ممکن است زندگی تو را دگرگون کند
از غم و غصه و نالیدن تو را نیلگون کند
یار یاران باش و اسرار را به خاطر بسپار
گنج و مکنّت همه تهی و فانی است
با رازداری اسرار تو زندگی کن
او انسان را سِرِّ جای خود می نشاند
چون تو به آن آگاه شوی مرهمی است
دسترسی به آن ناممکن و نا مقدور است
رازدار هستی باید بود و تمنا کرد
اهل عشق و عاشقی و مستی تویی
کشف اسرار کار هر کس نبُود
تا تو شوی برای اسرار یک پاسدار
آنچه از انسان می ماند روح جاودانی است
خود را ایمن از هرگونه سستی کن

Secret

**Only God knows the secret of existence
By blessing us beings with His essence
Beyond words is the mystery of death
Anointed are those with its knowledge
Within the Akashic Records is our secret
Where us mere mortals don't have access
Solely thou art the secret of existence
You are unconditional and unlimited
This time and space is filled with secrets
The awakened are those with its knowledge
Become a king by knowing these secrets
Let your wellness protect your essence
With the intimate ones become friends
For they initiate you with love's secret
Our physical bodies are only temporal
While our spirits or souls are eternal**

معنا

از بهر خود با خدای خویش تنها بُود	انسان همواره در پی معنا بُود
ببین خدا از بهر تو همواره دلتنگ است	زندگی بدون معنا ننگ است
چون که غیر از این تو در سرابی	بکوش تا توانی معنا یابی
چون خدا به دور از آشک و غمه	بفهم و برسان این فهم را به همه
چون با خدا باشی هرگز او تو را نیاندازد	بازی روزگار تو را به دام اندازد
خدا را بین و شنو که به جز آن غم است	شنیدن و گفتار و کردار تو کم است
از پی عشق او تو تک نوازی کُن	باکلامت تو خدا را راضی کُن
تا که دیگران گیرند از تو احوالی	عادل و معتدل باش تو در هر کاری
غیر عشق زندگی معنایی نخواهد داشت	عشق را در تمام هستی می توان یافت
تو خدا را بین در طبیعت و اقلیم	از بر کوی تو من آمده ام که شوم تسلیم
تا نمایان شود عشق تو در این کردار	در زندگی پابرجا باش و استوار
تا شوی شکرگزار او تو ای کاش	ز غم و غصّه ها تو از خدا شاکی مباش

Meaning

**Always in search of meaning has been mankind
To find a personal relationship with the Divine
Life without a purpose becomes pointless
Realize God chose us to manifest himself
We all must strive to live with purpose
So write down plans to get to your goal
Understand that each one teaches one
God's love and light is within everyone
The daily games life plays makes us act a fool
Become one with your Creator: a golden rule
Since man has limited capacity and capability
Acknowledge the Lord step into your Divinity
Show you know the power of your words
Don't raise your voice raise your words
Be fair and balanced in your works
Give others hope gain their support
Love is always everywhere in existence
Without love our lives have no significance
For our spiritual sustenance we surrender
For our physical survival we make efforts
In your life invest in being trustworthy
You'll realize its interest is credibility**

نیاز

تمام نیازهایت را از خدا خواه	تا که او برآورده کند آنها را به دلخواه
بی نیازی مرام یاران بُود	رحمت خداوند همچو باران بُود
خدایا نیازهایم را برآورده ساز	که تو گره هر مشکلی را کُنی باز
نیاز به آدم زمینی همواره اشتباه است	چون که برآورده شود همواره در فنا است
دستهایت را رو به آسمان کُن و دُعا کُن	نذر و نیاز خویش را همواره پیدا کُن
گر نیازت کوچک باشد و خُرد	تو از برآورده نشدن آن نخواهی مُرد
بی نیازی بی نیازان خداوند یکتا است	مُرید مُریدان خداوند بی همتاست
گر تو خواهی شوی عضو یاران	بی نیاز شو از این دُنیای فانی و روی گردان
یاران حقّ همواره بی نیاز از هر چیزند	دلدارانِ خدا بی شیله و پیله و تمیزند
گر که خود را جُدا کُنی از این دُنیا	دُنیا در پی تو خواهد آمد هر جا
راه بی نیازی گرچه مشکل بُود	ولی آخرش خُرسندی و خوشدل بُود
راه حقّ در پیش گیر و به خدا بنگر	تا شوی تو از هر انسانی برتر

Necessity

**Request all your needs from God
For you to receive the gift of love
O Lord take care of my needs
O Lord take away our worries
Make time to pray everyday
Find the way to glory and grace
God is the most high and great
The One aware of all our states
If there's a will there's a way
Sure selflessness is hard to attain
Clarity helps us find our aim
Purity helps us be more humane**

بی نهایت

کائنات و هستی بی پایان است
خداوند نور مُطلق است و بی پایان
بی نهایت ستاره در کائنات است
دوست و یارِ خدا باش و سالم زندگی کن
تا مردم بهره بَرند از مِهَرَت از بیخ و بُن
گر خود را مقایسه کنی با هستی بی نهایت
دانش و خِرَد حدّ و مرزی ندارد
از ازل دلم با تو بوده و هست
من عاشقِ این هستی بی پایانم
خود را رها کن در این بیکرانه هستی
دل نَبند به چیزهای فانی و زودگذر
گر طلب کنی تو عشق را از یاران
بودن در لحظه حال بودن در بی نهایت است
کار خدا غیر قابلِ پیش بینی و هدایت است

مرگ آغازِ یک زندگی جدید با یاران است
نباید تو با غم و غُصّه شوی نالان
خدا پرستی جزوِ واجبات است
سرانجام تو خواهی رسی به غایت
انسان به جز پیروی از خدا راهی ندارد
تا ابد روح جاویدانم خداوند را سُئوده است
از دردِ دوری یار من نالانم
چون رها شوی تو همواره خوشی و سرمستی
تو از این هفت خانِ زندگی بگذر
روزگارت می شود سرشار از رحمت باران

Limitless

**The Universe's existence is endless
The end is a new beginning in a sense
The Divine is infinite love consciousness
The stars in the Universe are limitless
True worship is service that's selfless
Real devotion serves love's purpose
Knowledge and wisdom are boundless
Self-knowledge; collective consciousness
Since time immemorial you've existed
Being our eternal immortal essence
I've fallen in love with the deathless
Liberated souls for justice and respect
Mortals don't dwell on fleeting trends
Although to necessities we must tend
If you seek love from God's friends
You'll receive blessings without end
Limitless is the gift of the present
GOD is Greatest Orderly Direction**

بی کرانه

تو چیز جزئی بیش نیستی	توی این سیاره کوچک هستی
خالی باش همچو تهی بودن جام	مشو مغرور زپول و مقام
تو هستی با دستهای خالی آنجا	در این بی کرانگی وانفسا
تا شوی پیروز تو در این دنیا	یا علی گوی و توکل کن به خدا
ولی جسم تو هست فانی در این دنیا	بی کرانگی هستی نامحدود است
همچو ذره ای از خداوند لا مکان	روح تو ابدی است و جاویدان

Boundless

**In this small planet of the Universe
You are the product of your environment
Don't be prideful of money and position
Be hallow and empty to fill with wisdom
Within this infinity and endlessness
You will be simply selflessness
Say All praises due and have faith
That you will gain glory and grace
Existence has no definite limits
Yet we are mere mortal beings
Your Soul is immortal
Like a part of our Lord**

راه بی پایان

خوش خُلق و ترانه ساز هر بهانه تویی	مسیر و ره هر جاده تویی
از محدوده ذهن مرا ویران کن	قلب ما را به نورت فروزان کن
زندگی اش سرشار از خنده و شادی بوده	هر که راه رسیدن به تو را پیموده
آخر این مسیر بی پایان تویی	یگانه و بی همتا و توانا تویی
از نسیم و گل و بوستان سرشارگردان	با حضور لحظه هامان را تو شاد گردان
ای موسم وصال تویی از یاران دیار	ای موهبت الهی هر لحظه بر من ببار
کرمّت لبریز شده زجنس مایی	قدرتت برده از ما دل شیدایی
بس که مانده ام در حضورت راسخ	آرزوها دارم در این دل عاشق
پیدا کن خود مرا زبرتری تو	گم شدم در انوار الهی تو
در کُنج می خانه مست بودن رنگین است	انتهای این ره بی پایان شیرین است
تا کنی این ره را بی پایان و بی انتها	نور مطلق تویی و می تابی هر لحظه بر ما

Endless Way

**You are the life of every way
Your kind nature creates
Fill our hearts with Love's light
Help us escape the mind's confines
Whoever has found the path to you
Has experienced the life that's true
Indivisible and Invincible you are
Both location and destination you are
Your blessed presence improves moments
Wherever Whenever you always know best
Divine Love fill each second of every minute
In the lover's world you're the time to unite
You've captivated and captured our hearts
Your magnificent munificence's in our hearts
You know loving hearts have desires
For I've been diligently vigilant, Sire
I'm lost in your ubiquitous abundance
And we're found in conscious oneness**

فقر و فنا

فقیران عشق خداوند همواره پیروزند
در ره عشق خدا فدا کن خود را
عاشق و معشوق همواره دلبر یکدیگرند
ساده حل کن تو معمای عشق را
مادیات بدون معنویات گمراهی است
گر تو خواهی عبور کنی از این وادی
گر که در فقر تو خود را فنا سازی
عبور کن تو از این ره دشوار
کارهای نیک تو توشه آخرت بود
شاد باش و از زندگی لذت ببر
معمای عشق خدا در قلب تو است
گر تو خواهی دست یابی به آن سیمرخ
یاران با عشق همواره دلسوزند
تا که دستیابی به نور و استغنا
چون عشق شان عمیق و در گذرند
جز نباشد آن در برابر خدا فقر و فنا
هر دو چون باشند آن سترگ و عالی است
بایدت با خدا باشد عشق و همراهی
تو بلند پروازتر از هر بازی
تا که از خواب سنگین شوی بیدار
تا که نیکی نکنی سرنوشتت مهلک بود
تا که تو شوی از کوردلان سرتر
چون که هر کاری را تو انجام دهی درست
باید که پرواز کنی تا کوه قاف همچو یک مرغ

Spiritual Poverty

**True dervishes are really in love with God
Whose companions are compassionate in love
On the path of love we make sacrifices
By giving back offerings through service
Lover and Beloved are in love
Through loving they become One
So to help simplify love's mystery
To God we're all in spiritual poverty
Materialism's incomplete without Spirituality
Together they compliment each other perfectly
And if you want to pass this stage
You must love God on love's way
If you become selflessly devoted
You'll become endlessly promoted
The afterlife is a result of this life
So be happy here seeing love life's light**

حیرت

از شناخت خُدا در حیرتم من
هر جا که می روم خدا را بینم
وز نظم طبیعت در عجبم من
وز گلستان خدا شاخه ای کُل چینم
در حضور یار تو همچو یک پروانه سبک بالی
وز غیر آن کسی نرسد به بیداری
خلقت انسان روی نظم و پیچیده است
بازی روزگار سخت و دیرینه است
قدرت خدا حیرت آور و سنگین است
روی دو بال فرشته خوابیدن چه رنگین است
چون رسم من به خدای جان و جانان
شوم پُر از شادی و سرور پنهان
عمر که سرمایه زندگی است همواره در گذر است
عمر بی مایه پوچ و زود گذر است
از عشق خدا خودت را سیراب کن
تو خدا را بین و یکسره فریاد کن
خدایا شکر که به من سلامتی دادی
تو عمل کن همواره چو یک هادی
چگونه انسان تولد می یابد از یک نُطفه
عجیب و غریب است کار خدا در یک لحظه
شکر خدا را به جای آر که حیران نشوی
از غم و غصه تو ویران نشوی
تا که بوده و هست این وادی حیرت
عمل خوب برآید از یک انسان نیک سیرت

Wonder

From knowing God's love I'm in wonder
And from Nature's order I'm also in wonder
I always see God in everything, everywhere
Here in the Garden of Life I pick flowers
You're like a butterfly in the presence of friends
Without which no person would be conscious
The creation and physiology of man is complex
The worldly way is a very long hard process
The power of our Lord is hard to process
Through time and space we progress
And through opposites I seek oneness
By leading a life full of happiness
As the currency of life is in circulation
The unproductive life results in stagnation
Fill yourself with the Love of the Beloved
Feel yourself as one with your Beloved
God bless you for giving me health
Kindly guide us back to our wealth
How life is created by sperm and egg
What came first the semen or the egg?
Count your blessings for them to hatch
Then more blessings you will have!

همراهی

دوستان خود را همواره همراهی کن تو با دل و جان و عشقت از آنان پذیرایی کن
دوستِ خوب داشتن یک نعمت است همواره یاری کردن آن یک هنر است
یار و یاور تو در این جهان خداست بدون وجود او جهان تاریک و در فناست
با دوستان خوبت همیشه همراه باش با دشمنانت همچو یک بخشنده رویا باش
همراه و همدل بودن با مردم چه خوش است
دیدن روی ماهت یک قلب پُر تپش است
راه را از بیراهه پیدا کن دل خویش را با خدا بودن رسوا کن
گرچه از برای وصل با خداوند ره بسیار است
گر تو خواهی به راه مستقیم روی دشوار است
قلب تو می تپد برای همراهی کردن خویش را زیبگانه جدا کردن
گرچه پیمودن مسیر حق دشوار است
ور اگر خدا یارت باشد آن همیشه هموار است
زمین و خورشید و ماه و ستارگان با تو همراهند
گرچه در مسیرت پیدا شود آنان که گمراهند
همراهی کن دیگران را و تو نفس بکش برای سلامتی ات تو کن ورزش
یگه تاز همراه و همراهان خداوند است پادشاه نیکان و خوش رویان خداوند است

Camaraderie

**Friends accompany each other
To be in the company of the other
Giving them hospitality of being a lover
Good friends are a privilege and an honor
In this world God is our friend and helper
Without God our world is darker and lonelier
Be in the giving presence of true friends
Forgive your enemies live with less regrets
What a pleasure it is to be with others
Its measure is to see yourself in others
There are many ways to your lover
The fastest path is to become a lover
By each one serving their community
We will be deserving of immunity**

هَنَر

با استعدادهای خود تو هُنَرَنمایی کُن
آدم بی هُنَر مانند روح بی گوهر باشد
هُنَر مند هُنَر از انگشتانش می ریزد
هُنَر انواع مختلف دارد
گوهر وجود انسان هُنَر است
هُنَر شاهکار خِلَقَت و هَسْتی است
هُنَر موسیقی گوش را می نوازَد
هُنَر نَقَاشی دِگَر هُنری است
هُنَر نی نوازی دِگَر هُنَر باشد
سعی کُن از جمله هُنَرَمندان باشی
هُنَر واقعی از برای خود یک دانش است
هر که زین دانش نصیبش شود با خُلُق در سازش است
هُنری که در راه خدمت به خُلُق باشد
دِلِ دوستانت را سرشار ز شادی کُن
پیمان بستن با او بی ثَمَر باشد
با نادانی و جهل همواره می ستیزد
هر کدام از آنها یک صَدَف دارد
گَر کسی بی هُنَر باشد دَر به دَر است
هُنَر شاهنامه زبَانِ مَسْتی است
غذای روح است و به خدا می پردازد
کَس که از آن بهره مند باشد پُر معنی است
که دل و روح را به آرامی می نوازَد
خُلُق را از هُنَرَت بهره مند سازی
اَجْرَش در نَزْدِ خداوند بالاتر باشد

Art

**By maximizing your talents
We bring joy to our friends
For people without any talent
Are like trees that are fruitless
Art is the essence of our existence
Art is the masterpiece of existence
Art is the language of drunkenness
There are many kinds of intelligences
The real artists live creatively
For they improve life's quality
The art of music pleases our ears
Feeds our souls when we hear
The art of painting drawing near
Giving our eyes sweet sights to see
True art helps us become free
Real art helps us to be here
While enjoying life's journey
Great art always serves humanity**

خنده

تا که تو بندگی کنی برای خدا	بخند و بخندان تو هر کس را
خنده کن تا بروی به لازمان و لامکان	خنده هر درد را کند درمان
دشمنت را حتی تو از خود راضی کن	هر روز بخند و شادی کن
بهره بر تو ز عمرت با راه راست	عمر انسان در این دنیا بس کوتاه است
تا که عاشق شوی تو هر لحظه سنگین	خوش بین باش و همه را به چشم عشق ببین
عشق را تو هر لحظه تکرار کن	کارها را به خدا واگذار کن
دین و ایمان و مذهب همه ز آن خداست	خنده و رقص و عشق راه خداست
تا شوی پیروز تو در این دنیای پُر طراوت	صادق باش تو در افکار و گفتار و کردارت
تا که رنگ و عطر آن همه جا نَهفته باشد	خنده تو همچون گلی شکفته باشد
هر گوشه این دنیا هست یک نیروی برتر	خنده طنز می برد دل را ز دلبر

Laughter

**Learn how to love and laugh
For that makes others laugh
Laughter takes the pain away
Laughter frees us of time and space
Laughter teaches us how to celebrate
It improves the quality of our days
As we inhabit the Earth for a short while
Make it a habit to wear your smile
See everyone with a loving mind
Free everyone longing to smile
Let the Creator guide your life
Let love be your guide, time after time
Love, laughter and dance makes us alive
Love, laughter and dance makes us high
Be honest in thoughts, words and actions
Get the most out of the world, its reaction
Your laughter is like a flower blossoming
Unfolding its color and scent while blooming
Whole-hearted laughter unites us to our Beloved
In every corner of the world exists our Beloved**

شیرین سخن

گر که حرف می زنی گفتارت شیرین است
با همه تو به نیکی سخن گوی
دل در تب و تاب تو همواره رنگین است
تا رسد برکت برای تو از هر سوی
از مرام دوستان و یاران بود
شکر کن خدا را تو به سرمستی
در هر مقامی که تو در این جهان هستی
نیک صیرتان همه اهل بهشتند
همیشه برای تو آخر سرنوشتند
بیا تا می توانی خوبی کن
مهر مردم را در دلت انداز و صبوری کن
همیشه و هر کجا خدا مهربان است با تو
دلیل محکمی است از برای بودن با تو
افکار خویش را همواره نظاره کن
افکار منفی را تو با عشق چاره کن
مهربانی شیوه بزرگان است
در دلت غم کوچکی پنهان است
عهد خود را به موقع به جای آر ای بشر
تا شود مقام تو هر لحظه بالاتر
بخشنده باش و بخشنده کن به همه
تا شود نام تو بر لبها زمزمه
یار یاران باش و عدل و انصاف را جاری کن
دیگران را تو با عشق خویش یاری کن

Sweet Talk

**When you speak your words are so sweet
There our hearts feel so much at peace
For those who always give respect
They will always also get respect
Good words and actions are Divine
As they are qualities of God's allies
Whatever your position or rank
Remember: give praise and thanks
The good natured are all Holy
Know their fate is Heavenly
So be as good as you can be
Learn to be patiently loving
Always and Forever God is good
That is what has to be understood
Become a witness of your thoughts
Love transforms negative to positive
Kindness is the way of all the greats
While hiding sadness in their state
Fulfill the promises you've made
And keep attaining greater states
Be forgiving of others mistakes
And they'll be calling your name
Be the friend of friends always
Know the way is being humane**

واصل

وصل باش به خدا و شادی کُن
چون تو مسرور باشی هر روز
شجاع باش در برابر حوادث
درنگ نکن در کمک به دیگری
خنده کن ، خنده های پیاپی
با روحت با خدا بازی کُن
از خدا تو همواره سپاسگزاری کُن
وصل شو تو همچو یک عارف
لحظه لحظه تو امید باشد و سپاس
زندگی کن بهشت را روی زمین
چاره کن کارهای خودت را هر روز
بهترین باش و عمل کن بهتر
گاه و بی گاه به یاد خدا باش و برقص

روح مردم را پُر از خیر و نیکی کُن
در زمان آینده تو می شوی پیروز
تا که گردی تو علت و باعث
چون که در زمین تو یک سروری
تا تو گردی شاد پی در پی
همه جا تو سرافرازی کُن
آب مقدس را تو همه جا جاری کُن
تا که گردی گنج درونت را کاشف
تا شوی تو بنده محبوب و خاص
تا شود روحت سربلند و آمین
تا شود هر روز تو بهتر از دیروز
تا شوی تو از نادانان سرتر
تا که کائنات برای تو شود یک رقص

Intermediary

**Be united in God and feel loved
Fill all souls with joyous love
For you are always cheerful
As you are always victorious
Be brave and adventurous
Become both effect and cause
Don't delay in helping others
For we're servants of each other
Smile make a life-style of laughter
See yourself living happily ever after
Live from soul; get closer to the Creator
Follow your heart find your love's greater
Always count your blessings forever
Cause holy water to overflow all over
Like a mystic have it all together
And you'll find your souls treasure
Your every moment's full of pleasure
To become popular beyond measure
Live the Divine fine life on Earth
Bring the Promised Land to Earth
Make a habit of doing good works
For your days to be full of support
Be the best version of yourself
To be a facilitator of success**

عشق

عشق یک احساس وصف ناپذیر است
عشق آزادی را به ارمغان آورد
واژه عشق واژه پرمعنایی است
عشق از راه سکوت پدید می آید
به همه عشق بده و عشق بازی کن
عشق همواره نامحدود است
عاشقی پیشه کن و عضو یاران شو
عشق در معنای معمولی نمی گنجد
عشق بی کرانگی هستی است
عشق به خود تو را به عشق خدا رساند
یاری ام ده ای خداوند بی همتا
آنقدر از عشق تو من مستم

گر کسی عاشق نباشد ذهنش درگیر است
عشق دلدادگی را به میان آورد
چون با عشق نباشی نصیبت تنهایی است
عشق راه درست را همواره می یابد
خدای خویشتن را ز خود راضی کن
عشق به خدا عشق راستین بوده است
مست شو با عشق خدا و جزو پاکان شو
بدون عشق جان و ذهنت می گندد
سرشار از خوبی و پاکی و مستی است
عشق به غیر خدا همچو دیگ خالی می ماند
تا گذر کنم ز واژه من و ما
که تا آخر دنیا من با تو هستم

Love

**Love is an indescribable feeling
Those not in love are overthinking
Through love we reach freedom
For only love evokes affection
Love is a meaningful word
Without love we are alone
Love comes out of silence
Love is our true guidance
Give everyone love and kindness
Know that is how God blesses us
True Love is unconditional
Real Love is our potential
Give love and you'll feel part of all
Get drunk in love with your Soul
Love is mad it never was normal
Yet it has forever been natural
Love yourself to feel God's Love
For our Lord is Unconditional Love
Infinite Light and Life Eternal**

رهایی

غافل از اینکه خفته ایم یا در رویا	بی دلیل دویدیم پی هر عمل
آگاه نبودیم از این رویا	هر چه بود سراب بود وبس
حکمتش این بود که آن است آینه ما	هر چه نقصان بود دیدیم در دیگر کس
ماندیم در این آرزوها و قضاوت ها	وقت خود را صرف کاستی ها کردیم
که این نیست حقیقت زندگی ما	روزگار داد مکرر به ما نشانه ها
من و تو همه کاملیم در هر لحظه از دنیا	پیام نشانه ها حاکی از این بود
بهتر آن بود که تو می شدی هر لحظه آگاه	غم و شادی پیایی در گذر بودند
خود که سازی دیگران شوند آگاه	در پی پیشرفت دیگران مباش درویش
لذت ببر تو از این قدرت بی همتا	زندگی جشن و بازی است برای تو
شوی بیدار از این خواب رنج افزا	هر زمان که تو با چشم دل بینی خدا
عشق پیشه کن ای عاشق لطف خدا	دولت عشق از برای تو است
از برای تغییرش تو این و آن مخواه	تا بوده جهان همین بوده و هست
بازی کائنات زیباست و بی انتها	هر چه هست قدرت و خواست خداست
که هم اکنون تو دُری و گرانبها	قدر خود را بدان در هر لحظه
روح تو منزّه است و فراتر از اینها	واژه و لقب از آن تو نیست
که شوی روزی تو نیز همچو آنها	مهربان باش تو با زیردستان
تا شوی رهسپار دیار خدا	جان و روحت را تو کن تسلیم

Freedom

Without reason I rushed toward accomplishment
Not conscious whether I was asleep or dreaming
 Although it was just a mirage, it seems
 That we weren't aware of this dream
 The flaws or defects which we saw in others
Were our own insecurities reflected in their mirrors
 We spent our time focused on shortcomings
Which kept us a prisoner of our own judgments
Life has presented us with constant reminders
 That this isn't the purpose of our existence
 The message of the signs presented evidence
 That our lives are complete experiences
 With joy and sorrow we experimented
 Now I know it is better to be conscious
 Please do not pursue the success of others
The self-made attract the attention of others
 For you life is a play and a celebration
Enjoy nights and days in this congregation
 Whenever our inner eye looks at creation
That's our guiding light that leads to salvation
 O Lover love is forever your natural state

**So give love and you'll attain God's grace
Since time began this was the World's way
By trying to change it we only get carried away
Trust all that exists is the Will of God
The Universe plays off its endless love
Always you should know your worth
And show you're valuable and worthy
Words names and titles are not yours
Your soul's state is pure of that be sure
Be kind to your subordinates
For you too will be like them
Surrender your spirit and soul
In order to live in God's world**

یاور

ای گنج برتر من	ای یار و یاور من
تا که نشوم خسته تر از خسته	مدد کن مرا در هر لحظه
از ره دور و نزدیک صدامان کن	قدرت خود را بر ما نمایان کن
هر جا که باشی خوشی و ثروت فراوان است	بی تو جهان بی رمق و ناتوان است
ای کتاب ناخوانده ذهنم	ای تمام دلیل بودنم
تا نرویم از ذهن و خاطره و یاد	بر ما ببار رحمت خود را زیاد
صدای زیباییات ظنین انداز این بدن است	امید بودنت هر لحظه با من است
مرا تو از فضل خویش فدایی کن	باش و هر آن خودنمایی کن
یار دلخواه من دل باخته تویی	فاضل و خوش سخن و بی اندازه تویی
تا شویم بهره مند از یاری آن	رحمتت را هر لحظه به ما فزون گردان
قدرتت بی نهایت جوابی هست	اسم تو اول هر کتابی هست
از مهر تو من هر روز شادانم	من به تو دل بسته و پریشانم
تا بروم به یاد تو به لامکان	بگیر دست مرا تو در هر زمان
در هر کلامت عشق جاری و هویداست	سرور و جشن جهان تو چه زیباست

Helper

O My life-saving helper

O my sacred treasure

Help me in my measures

Help me feel pleasure

Show us your All Mighty Power

From far and wide call us Home

Without you the world is nothing

With you the world becomes everything

O the very reason for my own existence

My each and every reason for full expression

Shower on us blessings of your Divine Presence

In order for us not to forget your Benevolence

My hope is to be with you in my every moment

Your angelic sound is resonating through beings

Be as heavenly beings having earthly experiences

Please keep me under your care and guidance

For you are the Most Wise and Eloquent

O my Soul Mate I've waited patiently

Continually forgive our shortcomings

For all of us to be able to benefit

Your name is the first word of every book

Your might is the answer to any question

You're my pride and joy O Lord

From your Love I always feel support

Guide my mind and body to do holy work

**For me to take our memory into eternity
Your festive celebrations of life make it worth living
In each and every word your love keeps singing**

رویا

پر کشیدیم بی بهونه
توی تک تک نفس ها
تا به آسمون رسیدیم
طعم بودن رو چشیدیم
به ستاره ها رسیدیم
ولی از هم نبریدیم
آخه از یه قوم و کیشیم
توی ذهن من بییچه
برسه به باغ فردا

من و تو چه عاشقونه
از تو خواب و توی رویا
پر کشیدیم و پریدیم
گل‌های ابرها رو چیدیم
توی اوج نا امیدی
غربتو به جون خریدیم
بیا تا ما دو تا یکی شیم
بیا این نگاه همیشه
تا که این قصه و رویا

Dream

**How lovingly you & I
Without excuse we rise
In sleep and dream states
In every breath we take
Both of us rise to fly
Until we fly to the sky
Plucking the clouds flowers
We tasted our being's flavor
At the height of frustration
We reached the light's station
While living our lives in exile
We kept connection to our ties
Come let us experience unity
For we are from one ethnicity
So let this proper vision
Be remembered as wisdom
That this story and dream
Can live in tomorrow's field**

خورشید دل

تا شود نمایان آن الماس زِگِل	بِگن جامهٔ خاک از دل
تا که شوی رحمت برای همه	بِتَاب و تابان شو برای همه
تا شود روحت مانند یک آزاده	رها باش و آزاد و دلداده
تا که شوی تو عضو یاران	جانِ جانان باش و خوش و رقصان
تا که شوند دیگران خوشحال و رقصنده	دلبرانهِ تو عشقِ بده به همه
تا بیاید برای تو فراوانی	دل ببر از دلبر تو به آسانی
تا که روزی تو نگویی ای کاش	با همه خوب تا کن و مهربان باش

The Heart's Sun

**You should never stop grinding
You could always keep shining
So, let your light keep guiding
Help other seekers to be finding
Become a free-hearted spirit
To be a member of friends
Freely give your love to others
For others to truly become lovers
Easily gain the Beloved's heart
Really attain Life's rich Art
Treat others the way you'd want
Others to treat you, my love**

معنای عشق

می نوازد گوشم را زیاد	صدای بلبلِ وحشی می یاد
عشق آغاز شد و همه چیز خندید	پروانه چو به دور چراغ چرخید
سبز طبیعت خوشحالم کرد	آبی آسمان آرام کرد
که تا مست نشوی خدا را نتوان دید	برو می بخور و خدا را بین
شکر می کنم که دلم مثل یک ماهی است	خدا سرتر از هر چیزوهرکسی

The Meaning of Love

**The song of the wild nightingale
Makes love to my mind daily
Like a moth to a flame
Find your love's way
The calming blue hue of the sky
Nature's green color makes me high
By drinking wine we say bye
to the thinking mind and hi to the Divine
In our personal beliefs God hides
In transpersonal psychology our ideal lies**

دلیل زندگی

ز زندگی غمگین و مأیوس بودم
مریض و بیمار و گوشه نشین بودم
ناگهان نوری از آسمان تابید
به این نکته رسیدم جز خدا پناهی نیست
همانگونه که در قرآن غیر خدا دلیلی نیست
به زندگی امیدوار شدم
امید زندگی در من شکوفا شد

زیرا که سردرگم و پر زیأس بودم
ز خدا و کائنات شاکی بودم
و در تمام جسم و روح دمیدم
ز سرور و آرامش سرشار شدم
توآدی دیگر و نورانی پیدا شد

The Purpose of Life

As I became sad and depressed with life
I became more lost and in need of light
I was like a sick hermit by myself
My faith in God's great world left
When suddenly a light shined from the sky
Only to illuminate my body and mind
And that made me realize the Divine
Like the Koran states only God is alive
Then I started to be more hopeful in life
Experiencing more fun-loving times
As I began witnessing a broader sight
The rebirth of innocence making us wise

بینش

ای خداوند بی مانند و بی همتا	چه زیبا خوانده ای مرا
هر چه بود شادی بود و صفا	از درد و غم هیچ اثری نبود
تا شوم از هر خواسته ای جُدا	غم هجران تو نابودم کرد
کی شوم جُدا از این دنیا	یار و یاور همیشگی من
کرده مرا متحیر و هویدا	ای که رُخ زیبای تو
تا شوم شاد از وجود شما	در کنارم بمان مثل همیشه
تا رها شوم زبند نفس و هوا	من دلم را می زخم به دریا
شدم پُر از موجهای غول آسا	دریا چه عاشقانه مرا به آغوش کشید

Intuition

How lovely you sing my soul's song
O Most High the One and Only Lord
Without any trace of pain and suffering
Just delightful joy in case you were wondering
The agony of being away from you hurt me
So much that I longed to be without need
My always and forever intimate mate
Helped me to make the most of my days
Your lovingly attractive face
Has me obviously amazed
Tell me you'll always stay
For us to be able to celebrate
I will keep baring my heart and soul
In order to become one with the world

دوستی

بُرده به غفان سرا
عاشق عاشق ترینم
زهر دلی راست شو
در بی کرانه ها غرق شو
عاشق هستی و نازنین
وز کَرَمَت بی اختیار

ای دل و جان مرا
ای صمیمی ترینم
باده بخور و مست شو
مُرده بودی زنده شو
جام جهان بین را ببین
ای که مرا داده یار

Friendship

**O Lord my heart and soul
Has taken me away from the world
As you know those who are close
Have more love to give than most
Become such a drunken lover
Who is more honest than others
Yes we have all been revived
To remember our ties to the Divine
Keep sipping the Elixir of Life
To bring more love into life
O Life who has become my wife
Kind thanks for your space and time**

توان

ای که همه تاب و توانم ز تو
به این دل کوچک ما توانایی ده
باغ و دشت و گلستان همه زتوست
لطف کن و در این ره دشوار یاریم ده
زبان از گفتن توانایی تو قاصر است
مرا تنها نگذار در این دنیای فانی
قدرت من در برابر عظمت تو ناچیز است
شاه کلید تمام قفل های درهای بسته تویی
ای گلِ سرمست و شادانم ز تو
ما را زرحمت خویش ارزانی ده
بوستان و رودها و کوهها همه زتوست
نقطه عطفی باش و سازگاریم ده
پادشاهی و استواری تو غیر قابل وصف است
همیشه با من باش در هر مکانی و زمانی
قلبم از مهربانی هایت لبریز است
سلطان همه خوبان و نیکان تویی
با همراهیت مرا هر لحظه آزاد کن
روح جاویدان ما را تو کافی هستی
که ره گم نکنیم امروز و فردا
نور چشمانت را بتابان پر ما

Ability

O thou who are my everything
Flower you helped my creativity
Grant my small heart more ability
To help us live more favorably
Flower, Garden and field art thou
Water, River and sea art thou
Please assist me on this journey
Be my reference for compatibility
Love is like a sea without any limits
Language only scratches the surface
Don't leave me alone in this temporal world
Be with me so I feel permanently at home
With you I truly have strength
And can go to great lengths
You're the Master Key opening all locks
You are the Great Master for all of us

رسالت

آگاه باش و آگاهی پخش کن در کائنات
از دیده دل بنگر به این جهان هستی
افکارت را هر لحظه پاکسازی کن
چو دریابی تو انرژی خدا را در هر لحظه
ز خود بپرس از کجا و بهر چه آمده ای
رسالت تو نجات بشریت با خود شناسی است
گر خدا را خواهی روشش خود شناسی است
پیام آمد که ای راهبر کجایی؟
خداوند فرمود از ذهنت خارج شو
پیامها همه می آیند پی در پی
نی همچو تو تهی و تو خالی است
چو در نی بدمی صدای خدا را شنوی
دریاب مرا ای خدای بی همتا

تا شوی همسو با خدا و مخلوقات
تا که شوی هوشیار از این مستی
با خدای هستی تو همواره بازی کن
شوی وصل به آن ایزد تو هر لحظه
تا رسالتت معلوم شود وقتی که آماده ای
زجان و دل و دلبر ره می گشایی
درون قلبت جای گیر و مستقر شو
تا کنند تو را آماده همچون نی
ارزش تو بالاترین درجه و عالی است
از درد و رنج ها راحت و آسوده شوی
چون جز تو نیست در این ره راهنما

Prophecy

**Be aware to share awareness
To become one in togetherness
Witness with the inner eye
See the field as being unified
Our thoughts we need to refine
Our imaginations we design
When everywhere you see the Divine
Then everywhere you feel is Divine
Ask yourself your reason of being
To be able to fulfill your prophecy
Our prophecy and legacy is to self-actualize
The way to God is through self-actualization
The message read: “Where is it’s leader?”
My response was both to speaker and reader
The Holy Lord said become a selfless seeker
Become one with your heart and soul here
We continually receive information
Be empty to be filled with creation
Like a hollow reed contains Celestial Music
While telling the longing of Terrestrial Beings
Help me provide a valuable service to humanity**

حکمت

آن مدفون در لوح محفوظ است	ما چه دانیم که حکمت خدا در چیست
وز ترس خدا بی گناه و پاک شدیم	گر از خاک برآمدیم بر خاک شدیم
چون که نمی دانیم اسرار ابد را	آخر ندانستیم اسرار ازل را
انسان به لطف تو مستانه شود	وز آتش ، سیمرخ زابیده شود
صلح کن با خودت	جنگ نکن با دشمنت
حل معما منم	عاشق و شیدا منم
تا که بیابی عقیق	در خود فرو شو عمیق
قلبت از عشق آکنده بُود	گر مهرت بیش شود

Doctrine

What do we know of God's wisdom
It is within the Akashic Records
If we are made of clay
We will return to clay
By seeing ourselves in others
Our being becomes discovered
Yet we don't know the secret of Eternity
Yes, to us it remains a hidden mystery
From fire the Phoenix was born
From love humans are grown
Don't fight your enemies
Make peace with your being
See by being lovelorn
We return to our source

غایب

آشکار شو ای غایب من	پدیدار شو ای ناظر من
زاشک و خنده ات مرا سیراب کن	ز نور دیده ات مرا شاد کن
بگذر از روح و جان من	یکی شو با هویت اصلی من
تو دانی راز آگاهی چیست	یکی شدن هست ز شماره بیست
قلبم را زرحمتت لبریز کن	روحم را با نوازشت سرریز کن
من به دنبال تو می‌گشتم در زمان و مکان- غافل از اینکه تو بودی در لازمان و لامکان	
لحظه لحظه بودم به یاد تو ای دل و جان	تا شوم زیاد تو آرام و ساکن در زمان
همواره در زندگی دلتنگ بودم با دیدوان	تا رسم زجایی که دل بیند تو را هر آن
در این ره خوردم زخم زبان	با چنین مردم ناآگاه و نادان
پرده را بَدَر و عشق را آغاز کن	که زعشق تو شوم سیراب زدل و جان
به پایان رسان عمر مرا آسان	تا نشوم خجل و افسرده و بی جان
عمر کوتاه که هست سرمایه و لرزان	تمام شود تا چشم بر هم زنی هر آن
از نگاهت مرا بیدار کن	ز بودنت مرا هوشیار کن

Hidden

Reveal all that is hidden

Appear as our witness

Nourish me with tears of joy, alright

Your sight brings so much delight

Transcending both body and mind

As we become one with the Divine

You know the secret of consciousness

Shows beings how to reach oneness

So, fill my heart with compassion

Let my soul overflow with passion

I sought you in all times and spaces

Though you exist without time or space

Focused on you is my mind-frame

My soul rests in a peaceful mind-state

While in life I longed to see your sign

That would remind me of you all the time

On this path I've been rebuked

By people who were stupid

Cast away your shadows of doubt

True love is the Sun, not the clouds

Let me have a quick and easy death

For me not to regret my dependence

Life is like a meditation or contemplation

Kindly guide us to our self-actualization

سپاسگزاری

که نگذاشتی مرا تک و تنها	شکرت ای خدای بی همتا
از عطر خوشت شدم نیک سرشت	از یاد تو دلم آرام گرفت
از هر گناهی که مرتکب شده ام	بازآ به سوی من که توبه کرده ام
عمرم را پُرسود و عالی کن	دل را لبریز ز شادی کن
شدم از هر گناهی پاک و پُر امید	چون نور تو به چشمم تابید
تا ز نو تازه و پرازنده شوم	بیا تا دوباره متولد شوم

Gratitude

**O Most High bless you
For not leaving me alone
Remembering you I have peace
From your scent I'm at ease
Come to me for I have repented
For every sin I've ever committed
Fill my heart with song and joy
Help me lead a life all can enjoy
By seeing your guiding light
My path became easier to find**

راهنما

ای هر گونه نشان من از تو
ای ملک و پادشاه و سلطان من
ره را به ما نشان ده و آزاد کن
یگانه راهنمای هستی تویی
کمک کن ما را در این راه پر پیچ و خم
خالق و نشانه هر خوبی تویی
کودک درون ما را تو شاد کن
به هر جا می نگرم نشانی از تو بینم
ای شاهد و آزاده و مهربان
به کوی تو سر می زنم هر روز و شب
مست و دیوانه و ساقی منم
بیرون آر ما را ز جهنم خویش

ای ره پیراهه هر زمان از تو
ای همه دل و امید و جان من
ما را زخیر و برکت آباد کن
در میخانه می و می پرستی تویی
تا نشویم گم در هر دیار و صنم
عاشق و شمع هر خانه تویی
قلب ما را ز غصه ها آزاد کن
به هر جا سر میزنم فغانی از تو بینم
دل ما را ز شادی لبریز گردان
باش این دل دیوانه و شیدا را سبب
دولت عشق و آزادگی منم
بتاب بر دل ما هر لحظه کم و بیش

The Guide

**O thou are all my good features
Thou who are my true teacher
Endowed as my spiritual leader
The pride and joy of us believers
Help us seekers become finders
Bless our connection to the Divine
Through integration we'll rise
You are our tavern and wine
You guide us from far and wide
To not lose sight of the Most High
You're the good God of our time
You're the love and light of our lives
You make joyous our inner childs
You take away worry from our minds
Wherever I may look I see your sign
Whatever I hear you're the reason why
O conscious witness you're the most kind
Fill our hearts with hope help us smile**

خورشید

بر من تو روح امید دمیدی	ای مظهر پاکی و تمیزی
روز از آتش تو من دردم	شب را بدون تو سر کردم
جدا می کنی ز غصّه روح ما را	پاک می کنی همه پلیدی ها را
از جام شراب نوشیدم و سرمست شدم	من به تو دل بستم و مست شدم
گوش را ز صدای تو لبریز کردم	دل را به تو بستم و چشمم بستم
مستانه و سرافراز تویی	تابان تر از کرم شب تاب تویی
ز آنجا روح من جاویدان بود	بودی و هستی و خواهی بود

Sun

**O manifestation of all light and warmth
You've given us all the spirit of hope
Although we spend the night without you
You enlighten the day so we know what to do
You purify all the world's impurities
You free our souls from suffering
Because of your love I am so drunk
Becoming conscious is the gift of love
You have my heart and soul
To me you are the whole world
You're brighter than the firefly
You're finer than the night sky
You remain our guide and light
That's where our soul never dies**

سرچشمه

ای به من نزدیکتر زمن
ای عطر خوش زندگی و سرمستی
ای جان خوش و دلداده به منگ
ما را به شرابی تو مست گرداندی
ای رنگ خوش و می خانه زمن
ما را بجز تو جامی نبود
از حيله و نیرنگ سوا افکندی
بازآ و روحم را ز نور پر گردان
از خانه و می خانه سراغی نبود
سرشار ز می و مستی و دهل گردان
ما همه چشمه ز سر چشمه های تویم
ما را به آسمان هفتم و در گردان

Fountainhead

O thou who are closer to me
Thou are my soul loving me
Pleasant scent of life and liberty
Vibrant hued light of every being
You've intoxicated us with your love
You've inundated us being our God
O Creator you are the One in All
In all creatures you are the One
Return to light our hearts and souls
Fill me with the Art of Life, Lord
We're streams of your consciousness
Lead us beings back to Oneness

جوانه بزن

تا زنی جوانه به نزدیکی	رشد کن تو در تاریکی
باش تو همچو کوه سربلند	غافل نشو ز همت بلند
تا شوی پیروز مانند مبارز	بهانه و عذر نیار هرگز
چون که او جدا باشد ز حقّ دیار	گر کسی دلت را شکست به رخ نیار
تا که دنیا دهد ز هرجا به تو عظمت	بایست و محکم باش و پُر قدرت
تا که لغزی از روی سنگ و آب	خیس شو همچو ماهی در آب
تا که دست کشد ز دروغ نارس	هرگز اسرار نداند هر کس
مسیر و جاده ات می شود پُر نور	چون تو روی آوری به سوی نور
زندگی را مثل جشن راضی کن	با مسیر باش و بازی کن
تا توانی پری دل ز دلبرت آنجا	حرکت کن با هوش و دلت هرجا

Sprout

**Grow up in the darkness
Close enough to the surface
Don't forget the bigger picture
Be confident in getting better
Don't make lame excuses your story
In order to be able to attain victory
If one broke your heart don't show it
For those don't know how to show it
We must stand up tall and strong
So the land will help us live long
Be wet like a fish swims in the ocean
Slippery wet yet grinding sand stones
The laymen are not initiated to know
Till they stop lying degrading words
By accepting invitations to righteous roads
We agree to receive light in our world
Play while chasing dreams and goals
Celebrating means reaching joy
Be consciously active for the Lord
So, you become one with the Beloved**

بی‌ریا

چون که جز این بُود کمی و کاستی
تا شوی بهره مند از پاداش پروردگار
قلبی فداکار نهفته است و راستی
گر کلامت بُود سرشار از کرامت
تا تو باشی هر روز بهتر از دیگری
تا شوی نور و برکت برای دیگری
سعی کن که تو همواره باشی پرهیزکار
تا که وصل شوی به دنیای بی انتها
تا که ببیوندی به زمره نیکان
با دو بالت همواره پرواز کن
تا که بیارآمی در این دنیای بی انتها

بی‌ریا باش و زندگی کن با راستی
دوری کن از مردم دورو و ریاکار
پشت هر صداقت و دوستی
مُنقَلَبِ کُن تو مردم را با کلامت
با خدا باش و لذت ببر از زندگی
همواره دعا کن دگران را به خیر و نیکی
زندگی جشن است و بازی روزگار
چیزی نخواه از دگران به جز خدا
شاد باش و شادی را پخش کن در جهان
صلح را در جهان برقرار کن
عشق باش و عاشق ز لطف خدا

Sincere

**Be sincere and live with truth
Other than that life has no use
Abstain from liars and abusers
And you'll attain a higher view
Behind each and every honest friendship
Beats a kind heart ready for companionship
Words work for change and development
When your speech is full of munificence
Have faith in God and live the good life
For every day to be more filled with light
Actively pray for others to have a better life
To become unto them a blessing full of light
Life's a celebration of days and nights
Yet we must constantly remain pious
Expect less and you'll be let down less
Get connected to a world that's endless
Be happy by giving others happiness
Be welcome in the group of true friends
Actively work for world peace
And spread both of your wings
Become a lover by the grace of God
To always be at peace in this world of ours**

دل‌تنگی

دل‌تنگم از نیامدنت	ویران شده دل خالی از بودنت
یا رب برس به داد دل تنگ ما	تا برسد عاشق به معشوق بی همتا
از دوری تو لبریز از ملامت شدم	دلم شکست و بد عادت شدم
تو که از دل من خیر داری	هر گوشه این جهان نظر داری
رها کن مرا از دوری خویش	چون نیست جز تو همدم و کیش
برسان مرا به سر منزل مقصود	بُرهان مرا از هر چه بود و نبود
هر چه بود از تو بود و این هستی	همه نشانه توست و مستی
بگذار دلم با یادت آرام گیرد	سر و جانم دوباره جان گیرد
منم آن روح جاویدان	که هستم در لازمان و لامکان
من ذره ای بیش از تو نیستم	خالی از عشق و وجود نیستم
بکن مرا یاری با قدرت خویش	که تنها تو توانی و دیگر هیچ
مکن هرگز مرا خالی از یادت	چو پرده درآفتد ببینم آن غایت
دلم آشوب است از نبودن تو	سرم پُرهیاهوست ز نیستن تو
دوباره جان هستی به من ببخش	که من محتاجم به دعای بودن تو
مرا غافل مگردان از یادت	که در آفتد وسوسه در ذهن نبینم روی ماهت
ز گذشته هیچ چیز نماند باقی	که تو هستی هر لحظه در هر جایی

Melancholy

I'm depressed because of your absence
My heart's desolate lacking your presence
O Lord please respond to our dependence
For us Lover to unite with the Beloved
Ashamed to be separated from the Beloved
Picked up bad habits being heart-broken
Of my sad state it is only you who know
You are the most great O our Lord
Please free me of my loneliness
For you are always the holiest
Lord will you enlighten my road
As well as lighten my heavy load
All that exists is from your existence
Every sign is the design of essence
As I seek you my peace increases
Rejuvenate my body and mind, please
I am that great immortal spirit
Without both space and time I exist
Though I am both a drop in the ocean
I am also the whole ocean in a drop
Help me align to your Divine might
Help me shine your Divine light
Please give me your attention and time
By penetrating layers we reach your light

ترس

آنکه که خدا را داری از چه می ترسی چون تو توانی به آن دانا پیدا کنی دسترسی
ترس همش از محدوده ذهن و شیطان است
با خدا باشی شجاع شوی و خدا در تو پنهان است
قلب جایگاه مهر خداست هر که با قلب خود بود برنده و جُداست
وسوسه همواره در ذهنت است پرهیز کن تو زآن تا شوی سرمست
نترس و شجاعانه زندگی را بازی کن تو همواره با خویش طَنَازی کن
گر تو سازی خود را سرشار از خِرَد دیگر هر ترسی تو را از میان نَبَرَد
سالم و خوب زیستن یک هنر است بدون خدا همه چیز بی معنی و مختصر است
هنر راه خودشناسی را آموز تا شوی سرشار از عشق خدا هر روز
جشن بگیر و همواره شادی کن با خداوند بزرگ تو سَرَأَرازی کن
قدرت خدا در کلام به وصف نیاید عظمت خدا در توصیفش ننگنجايد
شجاع دلی را از پدر خورشید آموز عشق بگیر از مادر زمین هر روز
خنده کن در این دنیای وانفسا چون که از تو فقط خوبی خواهد ماند برجا

Fear

Why fear when God is here

When you can feel freer

Fear comes from ignorance

Love comes from intelligence

For love always belongs in our hearts

Personal victory starts from the heart

Temptation comes in the shape of thoughts

Abstain from them and remain in love

Be brave and live your own life

Life is a play a display of light

If you fill yourself with love's wisdom

You'll empty yourself of fear's prison

Celebrate life to always be satisfied

Being with our Creator is gratifying

سکوت

زیباترین هدیه طبیعت سکوت است	چون سکوت نباشد ذهن شلوغ است
سکوت کن تو در برابر هر کس	چون سکوت تو را کافی است و بس
سکوتِ ذهن وصلت می کند به خدا	از تو می سازد در کشتی یک ناخدا
حریم سکوت کسی را مَشکَن	تا بمانی تو در امنیتِ ماندن
راز رسیدن به خدا سکوت است	چون سکوت کنی قلبت آسوده است
سکوت سرشار از حرفهای نگفته است	سکوت در عشق به خدا نهان و نهفته است
سکوت از دریچه قلب و جایگاه خداست	سکوت یک داستان بی انتهاست
سکوت از هر کلامی زیباتر است	سکوت کردن در جوار یاران یک هنر است
سکوت زمزمه و نغمه بلبلان وحشی است	سکوت دریچه ای رو به جهان هستی است
سکوت خود را مَشکَن با کلام نادرست	چون اگر شگنی رفتارت نیز می شود نادرست
سکوت چنسنش ز روشنایی است	سکوت چندین واژه پنهان و خدایی است
سکوت کن تو همیشه و در هر جا	تا شوی پیروزِ مطلق بر فنا

Silence

A great gift of nature is silence
Without it our minds are crowded
In the mind's silence find guidance
And be reminded to keep grounded
Don't disturb anybody's peace
For it serves your own tranquility
The way to the Lord is serenity
Through silence our heart is in peace
Unspoken words are within silence
Within God's love silence is hidden
Yet the Kingdom of God is within
For silence is the truly infinite
Like we learn speech by listening
By reading do we learn writing
That's why they say silence is golden
Within it our frame of mind is chosen
Learning to spend some time alone
We'll understand the value of home

سكوت عشق

The Silence of Love

نویسنده: غلامرضا محبی

مترجم: امیر علی سیاسی

Author: Gholam Reza Mohebi

Translator: Amir Ali Siassi

فهرست اشعار

Table of Contents

۱_ سکوت عشق

The Silence of Love_1

۲_ طلوع چشمانت

The Rise of your Eyes_2

۳_ گناه عاشقی

The sin of Loving_3

۴_ عشق ناخوش

Love-sick_4

۵_ عطر گل یاس

The scent of Jasmine_5

۶_ چشمانم

My Eyes_6

۷_ رقص چشمانت

The Dance of your Glance_7

۸_ نخ عشق

The thread of Love_8

۹_ عشق در انگشتانم

Loving Hands_9

۱۰_ زمان را خاموش میکنم

I will silence time_10

۱۱_ دور شو ؛ دور شو

Depart ; Depart_11

۱۲_ بلور نگاہت

Your Crystal Gaze_12

۱۳_ کوچہ ی خاطرہ

Memory Lane_13

۱۴_ قطرات خاطرہ

Drip-Drops of Memory_14

۱۵_ این بازی را خوب بلدی

You play this game well_15

۱۶_ نگاہم کن

Look at Me_16

۱۷_ ہمیشہ مقدس

Always Holy_17

۱۸_ نسیم عشق

Love's Breeze_18

۱۹_ جادہ ی عشق

Love's Road_19

۲۰_ امروز من عاشق ترم

Today I'm more in Love_20

۲۱_ عشق فلسفہ نمی خواهد

Love doesn't need Philosophy_21

۲۲_ دور و نزدیک

Far and Near_22

۲۳_ کوهستان زمان

The Mountain of Time_23

۲۴_ بطری رها شده

The Abandoned Bottle_24

۲۵_ گل یخ

Ice Flower_25

۲۶_ من هنوز زنده ام

I'm Still Alive_26

۲۷_ فرش خاطراتم

The Memory Carpet_27

۲۸_ شهر آدمک ها

The City of Machines_28

۲۹_ پنجره پاییز

Autumn's Window_29

۳۰_ لیلی و مجنون

Leyli and Majnun_30

۳۱_ کوچه ی یار

The Sweetheart's Alley_31

۳۲_ عاشق کشی

Love Ender_32

۳۳_ داستان زندگی

The Story of Life_33

۳۴_ زیر باران

In the Rain_34

۳۵_ گلی در آتش سوخته

A Burnt Flower_35

۳۶_ خفته ایی در مسیر باد

Gone with the Wind_36

۳۷_ با من بگو

Tell Me_37

۳۸_ جان جانانم

Soul of my Soul_38

۳۹_ ماه و گل

The Moon Flower_39

۴۰_ کوک کردن قلبم

Tuning my Heart_40

۴۱_ قول یار

Partner's Promise_41

۴۲_ آینه حسادت می کند

The Mirror's jealousy_42

۴۳_ علاج حالم تویی

You are my Remedy_43

۴۴_ سیاهی رنگ من نیست

Darkness isn't my Color_44

۴۵_ پیراهن خاطره

The Shirt of Memories_45

۴۶- عشق یک کیفیت است

Love is a Quality_46

۴۷- آن سوی شیشه زمان

Beyond the glass of time_47

۴۸- ماه پل عشاق

The moon is the Lover's bridge_48

۴۹- دریا

Sea_49

۵۰- سیب سرخ دلم

The Apple of my Eyes_50

سکوت عشق

عشق وقتی نیست

صبح آرام ست

ظهر خواب ست

غروب خسته ست

شب خاموش ست

عشق

وقتی هست

صبحش چرت شیرین یار ست...

ظهرش شیرین ترین فکر دنیاست...

غروبش گرمترین دلتنگی دیدار ست...

و شبش کوتاه ترین صحبت دنیاست...

The Silence of Love

Without love's presence

The sunrises are calm

The noons are asleep

The sunset is weary

And the nights are dreary

With love the morning is a nap, sweetheart...

Noon is the sweetest of thoughts, darling

Sunset is the warmest nostalgia of meeting...

And night becomes the shortest of dialogues

طلوع چشمانت

طلوع چشمانت

از هر بار

طلوع خورشید

جهانم را

عاشق تر

میکند و

برای دیدنش

هر صبح

چون پرنده ی

عشق...

بسویت پر می کشم...

The Rise of your Eyes

The sunrise

In your eyes

Makes my life

Full of love's light

And seeing its sight

This love bird rises

Spreads its wings in flight

گناه عاشقی

تو دل داده ایی به زمان عاشقی
به فراسوی فکر هر دل داده ایی
سفر کردی و حال خود گم کرده ایی
کنون تو مانده ایی در زمان خویش
تو گناه نکردی و گناهت شد عاشقی

The sin of loving

You have devoted your heart to love
Beyond thought of right and wrong
You've become so selflessly loving
Now that you've transcended duality
Sin isn't possible in love's unity

عشق ناخوش

میگویی عشق...
وقتی خوب می بینمت
همه چیز هست...
جز عشق.
ترس ترس ترس...
کل فکرت را
کل عمرت را
با ترسهایت خوش بودی
و با عشق ناخوشی
جانم!!

Love-sick

You say love is...
When i truly see you
It's everything but love.
Fear, fear, fear...
Of life fills your mind with lies,
You were so fine living that lie,
That you forgot to give love your time!

عطر گل یاس

تو هر صبح می آمدی

با عطر یک گل یاس

با دستانت...

یکی می کاشتی

در گلدان دلم

یکی می کاشتی

در گلدان خاطرت...

The scent of Jasmine

You'd come every morning

With the scent of jasmine

And with your loyal hands...

In my heart's soil you'd plant

Shining on the memories we had...

چشمانم

چشمانم...

بدنبال رفتن خویش ست!!

هیچ نمی دانم

از رفتن خویش

نه قهری

نه عشقی

من رفته ام...

اما هنوز...

جسم زمینی ام

مبهوت رفتنم

خیره مانده...

My Eyes

My eyes...

Were watching you leave my sight!!

I don't know why

They were watching you leave just to see you arrive

For we didn't break up

In order for us to make up

Yet i left...But still...

My earthly body

Was so surprised to see me leave...

رقص چشمانت

نسیم مهربانیت مرا غرق
بویبذنت کرد...
تا جان بگیرم در رقص
چشمانت...
باران آمد
تو را آورد
قطره ایی
پاک و گوارا...
تا جهانم تازه شود...
از پاکی رویت...

The Dance of your Glance

The breeze of your kindness
Drowned me in your fresh scent...
As I was brought back to life,
in the dance of your eyes,
When the rained poured down
On my ground you were found
As a pure, clear drop...
Its wetness refreshed my flesh...
With the purity of your essence...

نخ عشق

تو را با نخ عشق...

به قلبم دوختم...

مو به مو

رج به رج

شبها با تو

در آسمان خاطره

و بر بام مهتاب

تا سحرگاهان عشاق

رقصیدیم...

کاش هرگز صبحی

در کار نبود

The thread of Love

With the thread of love...

I sewed you to my heart...

Bit by bit, Inch by inch

We knit nights together

Stitched the moonlit sky of memory

From dusk we danced till the dawn of love...

I wished upon your star for there to be no morning

عشق در انگشتانم

عشق در انگشتانم خشکیده
به تو که فکر میکنم
هر روز عاشق تر می شوم
قلبم فرمان عاشقی می دهد
عشق در دستانم خشکیده
گویا در دستهایم شورشی بیاست
دگر برای ناعاشقان بد عهد
از عشق از دوستت دارم های پاک دلانه
هرگز نخواهم نوشت : هرگز ؛ هرگز
دستهایم دروغ را فهمیده
اما قلبم هنوز چه ساده لوحانه
هر بیدی را پروانه ایی
عاشق می بیند به دور خویش

Loving Hands

Love dries up at my fingertips

Whenever i think of you

I become more loving

As my heart is ready for love

Love dries up in the palm of my hands

Wondering if my hands are revolting

Against the vows of the unloving

Fighting for you on the battlefield of love

I'll never say never; however much my arms have been deceived

Yet my heart remains pure and naive

Believing every moth to be a butterfly

Yet witnessing love is all around you and i

زمان را خاموش میکنم

زمان را خاموش می کنم
تا خودم را...
در عمق چشمانت
رها کنم...
تو مرا در دلت می خوانی
من تو را نوازش می کنم
هر دو خسته از زمانه
در آغوش هم
آرام آرام...
ذوب می شویم...

I will silence Time

You already know I will silence time...
To free myself in the depth of your eyes
Your heart calls you to sing to me
As my words soothe you calmly
Both tired of the times and states
Melting slowly in each other's embrace...

دور شو: دور شو

عشق ؛ عشق ؛ عشق
چه واژه ی پر تفسیری است...
آن زمانی که با قلبشان عاشق می شوند
به ندای قلبشان بی توجه می شوند!!
درست زمانی که پرنده ی عشق
آماده ی نشستن بر شانهِ هایش است
تا آرامش و عشق را هدیه بدهد...
عشق را به دست مغز پرفریشان می سپارند!
تا برایشان تجویز کند:
دور شو ؛ دور شو.

Depart; Depart

Love, Love, Love
What an interpretive word is love...
When our hearts fall in love,
we stop listening to our heart!!
Like when love birds make love
They spread peace and love...
That love gets to their head not heart
Telling them to depart, depart

بلور نگاهت

بلور نگاهت...
لبخندی است بی بهانه
در این دنیای پر بهانه
تو ای زیبای من...
برایم بهترین اتفاقی...
چون یک ستاره...
در سحرگاهان خاطره...

Your Crystal Gaze

Your crystal gaze...
Brings a smile to my face
In this world of expectations
You my beauty are an exception...
Being the best thing in my life...
Like a star that shines...
In the dawn of my mind...

کوچه ی خاطره

کوچه خاطراتم کمی دور است
آنسوی کوهستانهای عمر است
شبهایش پر از ستاره های چشمک زن...
مهتابش همیشه لبخند بر لب...
آه... یادش بخیر... گذر عمر را می گویم...
چه زود دیر می شود و آدمهایش هر روز
از هم دورتر می شوند.
کوچه خاطراتم کمی دور است...
آنسوی کوهستانهای عمر است...

Memory Lane

My memory lane is away in my mind
Climbing the mountains of life
Its night filled with stars that shine...
And its moon always smiles...
Oh...do you remember the times?
Talking about the passing of life...
And how fast it passes us by
As we get farther from life
Is why my memory lane is away in my mind...
Climbing the mountains of life...

قطرات خاطره

شب بود و قطرات خاطره...

پروانه ایی به دور شمعی

می سوخت...

آنسوی دیوار

مهتاب اسیر شب بود

شمع گریه کنان آب

می شد...

زمان رها شده ایی بی نام...

و من سراسر سکوت

در میان سایه های دیوار...

Drip-drops of Memory

I remember it being night...

A butterfly burned around the candle's fire

On the walls other side

The moonlight was held captive by the night

For water the candle was crying...

Without a name and free of mind...

I was completely silent in between the shadow and light...

این بازی را خوب بلدی

می دانی چه زمانی با خودم غریبه می شوم؟!

آه...

زمانی که تو نیستی!!

مثل چشم بستن

می مانم

با خود غریبه می شوم!

یک لحظه...

یک ثانیه...

و تو...

چه خوب این بازی را بلدی...

You play this game well

Do you know when i become a stranger to myself?

Oh...when you aren't present!

As i begin to close my eyes,

With myself i start to un-identify!

Just for a moment...

Just for a second...

You yourself plays this game very well...

نگاهم کن

گاهی یک نفر باید باشد

برای عاشقی...

گاهی نفس کشیدن هایت

باید خریداری داشته باشد

گاهی دلشوره هایت را...

دلتنگی هایت را...

بشورد با یاد عشقت

نگاهم کن...

همیشه...

در همه حال...

در همه جا...

من بدون نگاهت

می میرم

چون یک ماهی قرمزی

در تنگی بدون آب

Look At Me

Sometimes there has to be someone to love...

Sometimes your breath has to be bought

At others your worries and concerns...

As well as longing for the other...

Has to be purified with thoughts of the lover

Look at me...

Always & Forever...

Everywhere...

Without your attention i wouldn't be here

Like a fish in a bowl without water.

همیشه مقدس

برگها شاهدانی عاشق اند...
شاهدانی بی بدیل و بی نظیر...
هر کدامشان
یک قصه ی عشق
در نهان خانه ی
دل مدفون دارند...
گر به آنها می رسیم
یا جارو می شوند
یا زیر پا خورد...
تو را نمی دانم
اما آنها برایم
همیشه مقدس اند...

Always Holy

Leaves are witnesses in love
Irreplaceable and unique witnesses
Each of them has a love story
Buried in the secret house of the hearts...
Whether we reach them
Or they are blown by the breeze
Swept up under our feet
I don't know about you, but to me
They are always holy...

نسیم عشق

چیزی در من در جریان است...
مثل پروانه شدن
پروازی با شکوه
در باغ زیبای دلت...
تا تو بیایی...
چو نسیم عشق...
من در آغوش گرم
کودکانه...
آرام آرام خواب شوم...

Love's breeze

There's something flowing through me
Like becoming a butterfly
Spreading my wings to fly
In your heart's garden of life...
Until you yourself arrive...
Like the breeze of love in our life...
I'm in your warm embrace like a child...
Slowly, slowly closing my eyes...

جاده ی عشق

پاییز ، عبور زندگی ست
بوسه های تلخ و شیرین
اشک باران...
بوی خاطره...
و قارقار کلاغ دلواپسی
من نشسته ام
کنار جاده ی پاییز
کنار قصه ی برگها
به تماشای کوچ زندگی
تو... فاصله ها را باور نکن

Love's Road

Fall, is the passing of life
Sweet & bitter kisses
The rain's sweat and tears...
The scent of memories...
The cawing of crows worried
I'm seated by autumn's road
Beside the leaves stories
Life's migration witnessing
Don't believe the distance

امروز من عاشق ترم

امروز من عاشق ترم

با گامهایی محکم تر

یاد تو عشقم...

می شود تمام نفس هایم

باران عشق را...

جاده ی عشق را...

نفسهای پاییز را...

با گرمی دستانت

قدم می زنم...

امروز من عاشق ترم

با گامهایی محکم تر...

Today I'm more in Love

Today I'm more in Love
With more confidence in life
Of you my love i'm reminded...
It becomes the air and my oxygen
The rain of love...
The road of love...
The scent of autumn...
With the warmth of your hands
I take steps and stand...
Today I'm more in Love
With more confidence in life

عشق فلسفه نمی خواهد

تو را در دشتی زیبا
در رویاهایم دیده ام
صورت همچون ماهت
آسمان دلم را
نور افشانی می کند
و برق چشمانت
مرا مسخ عشقت...
می دانم روزی پیدایت میکنم...
عشق فلسفه نمی خواهد...

Love doesn't need Philosophy

I saw you in the field of my dreams
Your face shining like the moon
Lighting up my heart's sky
And the sparkle in your eyes
Just the love i was looking to find
I know one day we'll finally meet...
Love doesn't need philosophy...

دور و نزدیک

گاهی آنچنان دور می شوی

گویی تمام جهانم

در تسخیر مه آلود

غم هاست...

گاهی آنچنان نزدیک می شوی

گویی تمام جهانم

قلبم ، روحم ، جانم

فقط فدای توست...

Far and Near

At times you get so far-out

You say I'm your world

In between screens of smoke

There is sorrow...

At other times you get so close

You say I'm your world

My heart and soul

For you is devoted...

کوهستان زمان

ظهر گرمی ست
خورشید شلاق به دست
تازیانه می زند
بر کوهستان زمان
عابری گم کرده راهم
در زمان...
بوی عطر نان روستایی ناپیدا...
می برد دل را به سودا
باد در گوشم می خندد
وز وز پشه ایی
فرییم می دهد
چرا اینجا همه ی راه هایش تکراریست!!!...

The Mountain of Time

The Sun's scorching
Blazing on time's mountain
I was a lost passenger of time...
The scent of warm bread from an unseen village...
Takes my heart captive
The wind in my ear laughing
The sound of a mosquito
Has been so deceiving
Why are all these roads repeating...!!!

بطری رها شده

باران هنوز...
بوی عشق می دهد...
و ابرها...
پرندگان...
بوی زندگی...
اما
دنیای من...
یک بطری رها شده است
در اقیانوس امید...

The Abandoned Bottle

The rain still...
Smells of love's scent...
And the clouds...
And the birds with life all around...
Although my world...
Is an abandoned bottle floating on the ocean of hope...

گل یخ

روزی که با تو آشنا شدم
در وجودم قلبی نبود
تو گفتی من گل یخ
من گفتم در جستجوی مرگم
تو خندیدی بر من
بر پرچین برگهایت
عبور دلها... ریزش اشکها...
آه جان سوز فراق ها دیدم
و فهمیدم... در دل یخ هم گل می روید

Ice Flower

The day we met each other
I didn't have the heart of a lover
You said i was an ice flower
As i was seeking the end of life
So, you laughed at time
From the hedge of your leaves crossed our hearts, spilled our tears...
The soul's burning sigh has witnessed separation to realize...
Even in the heart of ice can a flower come to life

من هنوز زنده ام

شب بود و من...

خاطره ها به صف

یک به یک...

شمعی آنسوی اتاق

می گریست...

و پروانه ای عاشق

دیوانه وار...

به دورش پرواز

عشق و مرگ می زد...

سایه ها بیدار شوید

من هنوز زنده ام...

I'm Still Alive

It was night and I...

Memories in single file lines...

Waiting across the room by candlelight, crying

Around the flame a butterfly was flying...

Fluttering in between death and life...

Wake up shadows, I'm still Alive

فرش خاطراتم

بر فرش خاطراتم

نشسته ام...

جای جایش تو هستی

در آینه نگاه می کنم

فقط تو هستی...

من در تو هستم؟

یا تو در من هستی؟

آه... کاش...

تو تمام قصه ام نبودی

فصلها...

من می نوشتم عشق...

و تو می خواندی رفت...

The Memory Carpet

I sat on my memory carpet...

It's place in existence

I looked in the mirror and saw your reflection...

Am I in you ?

Or are you in I ?

Oh...if only...

You weren't all of my story

Seasons passed...

The reason i wrote: Love

Was for you to read it, my love

شهر آدمک ها

کنار تنهایی نشسته بودم

هر دو به تماشای شهر

نشسته بودیم

از تنهایی پرسیدم:

چرا می گویی شهر آدمکها؟

تنهایی در جوابم

با لبخندی گفت:

چون همه ی عمرشان

خود را در نقش دیگری

می بینند...

حریص رسیدن...

حریص گرفتن...

ما همه...

گمشده ایی در بادیم...

The City of Machines

I sat by my loneliness

Both watching the city

I asked loneliness:

Why do you call it the city of machines?

Loneliness with a smile responded:

Because they see themselves in the other's reflection...

Greedily overanxious to arrive...

Greedily overanxious to receive...

We are all lost in the breeze...

پنجره پاییز

پشت پنجره ی پاییز

می نشینم...

از فصل باران

می خوانمت...

از بوی خیس برگها

می بویمت...

و می دانم

تو هنوز هم

هر پاییز...

عاشقانه مرا...

می خوانی...

Autumn's Window

I sit behind autumn's window...

And sing about the rainy season...

As I breathe in the smell of wet leaves...

And I know that every autumn you will...

Sing my song very lovingly still...

لیلی و مجنون

گاهی نبودن

همان بودن می شود

گاهی بودن

هم نبودن می شود

تلخ و شیرین

در شبی گم می شود

لیلی و مجنون

در شبی گم می شود

آخر عاشقی...

پشت نقاب بی رحم

زندگی

کودکی بی لبخند

پیر می شود...

Leyli and Majnun

Sometimes non-existence

Becomes existence itself

As well as existence

Becomes non-existent

Bittersweet get lost in sleep

Leyli and Majnun

get lost in love's dream...

Behind the merciless mask of life

Children grow old when they're not smiling...

کوچه ی یار

کوچه ی یار کجاست ؟
این دل باران خورده کجاست ؟
لیلی کجا ؟
مجنون کجاست ؟
بیا آفتاب هم دلی شویم
دور و نزدیکش مهم نیست...
قصه ی ما قصه ی یکی شدن است...
جهانی در تسخیر یک لبخند...
بلبل چه چه کنان
پر کشید و رفت...

The Sweetheart's Alley

Where is the alley of the sweetheart?
Where is this rainy heart?
Where's Leyli and Majnun?
Let's submerge within the sun
Until we become one...
The world inside a smile...
The singing nightingale spreads it wings in flight...

عاشق کشی

نشستم بر فرش باد
سبد شعرم گلهای خاطره
عطر عشقم در زمان جاری...
ندیدنت عاشق کشی ست
همیشه باش... همیشه باش...
ای همسفر ماه من
با تو...
پر می کشم در آسمان آرزو...
چون کودکی شادمانه
می رقصم می رقصم
می خوانم می خوانم
زیر لب...
همیشه باش...
همیشه باش...
ندیدنت عاشق کشی ست

Love Ender

I sat on the breeze's carpet
My basket of poems memorial flowers
The scent of my love flowing...
Not seeing you kills me my love
Always be present...be here...my love
With you i fly in the sky of desire...
Like a happy baby
I'm dancing yes dancing
I'm singing yeah I'm singing
Repeating like a mantra my lips are singing
Always be alive...
Always be alive...
Not seeing you kills me my love

داستان زندگی

داستان زندگی:

گاهی بر موج سوار شدن است
گاهی در موج افتادن است و در این میان
خوشبختی یک پرواز است... پروازی به درونت...
نظری کن به درخت درونت
آنجا سرزمینی زیباست
آنجا خدا منتظر توست
آغاز قصه آنجاست بخواه تا بشود زیبا...

The Story of Life

The Story of Life:

At times we ride the tide

At times the tide rides us

While in the meantime

Happiness is a flight...

A flight returning within...

Bring to mind your inner tree of life

There reflect on that fine place

Where the essence kindly awaits

That's where the story begins

Make it something to remember my friends...

زیر باران

می دانی باران چیست ؟

من می گویمت

باران چیست

باران همان اشکهای من است

زیر باران رفتم راحت باش

چه زیبا چکه می کند خاطرت...

در وجودم...

خوب می دانم

یک روز پاییزی...

زیر باران...

در کوچه ی دلتنگی...

دوباره

به تو خواهم رسید...

In the Rain

Do you know what is rain?

I will explain what is rain

Our tears are rain

Be at ease when i'm in the rain

How lovely i drift in memory lane...

Deep down I know very well

An autumn day...

Under the rain...

In the alley of longing...

I will see you again

گلی در آتش سوخته

گل به عشق باران خوش است...
آتش به زنده ماندن می سوزد...
می دانی حال من چیست ؟
حال من مثل گلی ست در آتش سوخته
دروغ خانه ی دل
روز اول زیباست
کنون سرزمین محال شده ام
طعنه می زند روزگار بد
برو ؛ برو...
باید نغمه سرای عشق شویم...
تا که باز آید عشق به گل...

A Burnt Flower

Flowers are happy in the rain...

Fires aflame, Ashes remain...

Do you know my state?

Like a burnt flower is my state

The house of my heart's lies

Started out as a pretty sight

Now it's a mission impossible

How the times are taunting us

Leave; leave...

We have to sing poems of love...

Just so the flowers grow flowing in love...

خفته ایی در مسیر باد

دیدمت در نهران خانه ی دل...
به تمنای یار نشستنی هنوز
عشق آمد و رفت
تو هنوز خفته ایی
در مسیر باد
قصه ی عشقهای ناگهانی
مرگ فانوس در باد است
و تا ابد...
قصه چنین است...
چنین است هنوز...

Gone with the Wind

I saw you deep inside the heart's home...
You were waiting upon your lover's request
Love came and went
You were still gone with the wind
Stories of infatuation
Wind dimming the wick of that lantern
And until eternity...
It's still the same story in infinity...

با من بگو

اشکهایت مقدس اند...
ای زیباترین سیرت عشاق...
با من بگو از اشکهایت
با من بگو از خنده هایت
من تنهاترین عاشق دنیای تو ام...
پر از حرفم
پر از دیدار تو...
پر از پروازم
به سوی تو
پروانه ای عاشقم...
عاشق تو...

Tell Me

Your tears are holy...

O the most beautiful soul...

Tell me about your sadness

Tell me about your gladness

I'm your most devoted lover...

With so much to say about you my lover...

Fluttering my wings in flight

to see your sight

Like a love drunk butterfly...

Drunk with your love light...

جان جانانم

گفتم نگاهت میکنم
دردت به جانم میکنم
نیک به یادت میکنم
تاج سرم میکنم
نگین دستم میکنم
تا جان جانانم شوی
یار شهبایم شوی
مهتابم شوی
آفتابم شوی
نور چشمانم شوی
آسمانم شوی
آسمانم شوی...

Soul of my Soul

I will give you my time of day

I will try to feel your pain

For you i've got only good things to say

Like your love is king

With my heart I'm crowning

For you are the soul of my soul

Come share my world

Become my moon light

As well as my sunshine

Be the light of my eyes

And when you become my sky

Then i will be able to fly...

ماه و گل

گل را باید بوید...
ماه را باید بوسید...
عاشقانه تر از هر عاشقت
سکوت نگاه چون ماهت
آن آسمان چشمان زیباییت
آن گل همیشه خندان لبهایت
را...
با یک بوسه...
باید چید...
چون بوسه ی ماه بر گل...

The Moon Flower

Flowers have to be smelled...
The moon has to be kissed...
More loving than your past lovers
The silence of your glance in the moon i discover
That sky of your beautiful eyes
That flower of your lips always smiling...
With a wet kiss has to be plucked
Like the moon kisses a flower in love

کوک کردن قلبم

عشق یعنی نگاه تو...

کوک کردن قلبم...

با صدای تو...

تو بودی و...

من بودم و...

جاده ایی به نام عشق

تو را در فصل عاشقی یافتم

چه قشنگ و دلربا

و عشق شد...

واژه ای ماندگار

بر لبهایمان

همیشه جاری...

Tuning my Heart

Love is your vision sweetheart...

Tuning my heart...

With your voice and sound...

Each other our choices found...

On a street called love

Seated on a Persian rug

Such a passionate attraction

Causing our love's reaction...

Speaking in tongues with compassion...

قول یار

باد سردی وزید
در دلم سرما دوید
آسمان جملگی
شبی سیاه
ظلمتی در چشمانم دوید
به یاد آوردم
قول یار را
پشت سر شهری
سراسر دروغ و فریب را
بر خودم لرزیدم
باد سرد یارم شد
تنهایی یاورم شد...

Partner's Promise

A cool breeze blew
My heart bleeding blue
The entire sky came into view
On a pitch black night, I knew
That darkness was passing too
I thought my partner's promise through
The city's lies and deceit, all i could do
Was shiver in the cool breeze to know this truth:
That genius grows out of solitude...

آینه حسادت می کند

گیسوانت را
با رقص دستانم
شانه میکشم
آینه حسادت میکند بر من
آفتاب رویت
مروارید نگاهت
معجزه ی چشمانم میشود...
تو می خندی بر من
آینه حسادت میکند بر من
تو آرام آرام می بندی چشمانت را
تا من نرمک نرمک ببوسم نرمه ی جانت را
من جان میشوم...
تو جانانم...

The Mirror's Jealousy

I comb your hair with the dance of my hands

The mirror stares jealously back

Your Sun is shining

The Pearl of your sight

Is like a miracle in my mind...

You laugh at me, while

The mirror envies me meanwhile

You slowly, slowly close your eyes

So I softly kiss the softness of your light

As I become one with my soul...

You become my heart and soul...

علاج حال تویی

حالم عجیب خراب است

خراب دیدار تو...

خراب بوییدن تو...

اکنون من میان امواج پیاپی دریا

سرگردان خویشم

در خود فرو مانده ام

در خود گم شده ام

در خود غرق شده ام

علاج حال تویی...

دیگر دریا هم نمی تواند

مرا در خودش غرق کند

چونکه...

سالهاست در عشق تو...

غرق شده ام...

You are my remedy

My strange feeling is wasted

Wasted to see you...

Wasted to smell you...

Now i lose myself in the sound of the waves

I've lost both time and space

I've even forgotten my state

And even forgotten my name

That's why i say you are my remedy...

Not even the sea can drown me...

For many years i've drowned in your love for me...

سیاهی رنگ من نیست

سکوت عشق را...

هرگز دوست ندارم...

حرفی در دل مانده که باید می گفتمد

وقتی حرف دلت را به عشقت نگویی

میشود آخر دنیا

میشود ته سیاهی

سیاهی رنگ من نیست

رنگ من رنگ عشق است

سرخ سرخ...

چون سیب سرخی که دلم می خواست

به تو هدیه دهم

پیام عاشقی دهم

اما هرگز تو فرصتی به من ندادی...

سکوت عشق را...

هرگز دوست ندارم...

Darkness isn't my color

The silence of love...

I don't really love...

For i had more to tell you my love

The end of the world is not expressing love

It becomes utter darkness

But i am not that darkness

I am the color of love

Red's the color of God...

For the red apple desired by my heart

To give you as a gift of my love

Although you never gave me that chance...

The silence of love...

I don't really love...

پیراهن خاطره

پیراهن خاطره را به تن میکنم

عطر روزهای خوشم با تو

هنوز هم بر پیراهنم

جاری ست...

من هنوز هم عاشقم...

جلوی آینه ی زندگی ام

تمام قد می ایستم

سکوت عشق را...

سپیدی موهایم را...

با یاد چشمانت در قلبم مرور میکنم

من هنوز هم عاشقم...

ناگهان تو از میان غبار آینه پیدایت میشود نگاهم میکنی

دوباره عاشق ترم میکنی

و من آخرین دکمه ی پیراهن خاطراتم را...

با تو محکم محکم

می بندم...

The Shirt of Memories

I wear the shirt of memories
The scent of our good days together...
For the love that i remember...
In front of life's mirror
I stand up taller and straighter
Love's sound of silence...
Is found in my white hairs...
Your eyes i search for in my heart
For I'm still in love...
Suddenly you appear between the mirror's dust
Looking at me and i regain trust
To become more in love
For it is with you that i button
My shirt of memories last button...

عشق یک کیفیت است

عشق یک کیفیت است
هر چه اصیل تر...
هر چه پاک تر...
سخن از راز دل است
و گاهی لب دوختن است
تو بدی های درون را
باران باش...
شسته دل کن خویش را...
باران شو بر جسم خویش...
تا بروید عشق در جان خویش...

Love is a Quality

Love is a quality
The more real it is...
The more pure it is...
The talk is of love's secrets
And at times means being silent
Be like the rain washing away my sins...
Wash my heart needing a cleanse...
Be like the rain my body cleaning...
Until love flows in my spirit...

آن سوی شیشه زمان

بازی میکند کودکیم

آن سوی شیشه زمان

تو؟!!!

چرا همیشه دنبال من هستی؟!!!

ای کودکی شیرین من...

من دورم ، تو نزدیک من

من سردم ، تو گرمی از وجود من

اکنون عقربه های ساعت سکوتم...

بی اختیار!!!...

تو بی صدا می آیی

تو بی صدا می روی

من کور کورم

تو دلتنگم...

آه...

جادوی عشق رفته

رقص خاطره هاست...

Beyond the glass of time

I am playing like a child

Beyond the glass of time

I, why are trying to find ?!!

O my sweet childhood life...

I'm distant, while you're close to me

I'm cold, while you are warm from my being

Now the hands of the clock strike upon my silence involuntarily...!!!

Like my heart beat

You come and go silently

I'm blind and you miss me...

Oh what magic is there in love that passes like a dance of
memories...

ماه پل عشاق

عشق شبیه کودکی ست

که ما با قطره قطره ی

احساسمان...

هر روز آنرا بزرگش میکنیم...

فاصله ؛ پلی نامرئی ست

و در دل ؛ هزاران حرف نگفته...

قلب شب فقط یک دل بود

نیمی از تو ...نیمی از من

ماه ؛ پل عشاق است...

و من و تو...

شبها عشق را به هم

می دوزیم...

The moon is the lover's bridge

In love and childhood are similarities
Which with our feelings
Its size steadily increases...
An invisible bridge is distance
And in our heart leaving much to be said...
The night's heart is one soul
Half mine and half yours
The moon is the bridge of lovers
You and I weave the nights of love together...

دریا

من مست چشمانت شدم
من محو رویایت شدم
بشنو صدای نفسهایم را...
بشمار صدای گامهایم را...
ای دریا... ای آرام جانم...
ای جان جانانم...
بیا و مال من شو...
محرم اسرارم شو...
من مرغ طوفانم
در میان کوبش امواج عطشها
گذر طوفانها دیده ام
آشپزخانه ام قلب توست...
در میان دستان امواج توست...

Sea

I've become drunk in your love

I'm so absorbed in your hope

Listen to the sound of my breath

Count the sound of my steps

O sea...O peace of my heart...

Come and be my confidant lady...

I'm the bird of storm between the splash of waves

I've witnessed the storm passing

And my nest rests in your chest

Within my hands your energy I sense

سیب سرخ دلم

از باغ دلم سیبی چیده ام
برایت سرخ سرخ...
عطرش بوی عشق...
و قلبم تقدیمت باد با عشق...
آرزویم همیشه این بوده و هست...
با هم یکی شویم...
همسفر آدمیت شویم...
با عشق با صلح با مهربانی آشنا شویم...
از بهر کینه ی دل
رها شویم...رها شویم...
شب و روزش مهم نیست
دور و نزدیکش مهم نیست
رنگ و پوستش مهم نیست
یک صدا شویم...
یک صدا شویم...
برای خلق جهانی
بدون جنگ و درد

The apple of my eyes

I picked a red apple for you from my heart's garden

Love was its scent...

My heart offered the breeze of affection...

My wish was always for oneness...

Together experiencing oneness...

Familiar with love, peace and kindness...

Free of any resentment...

The night and day isn't important

Neither is the distance

Neither is the others appearance

Let's become one expression

Extensions of our essence

Reflecting love's perfection